


تحلیل تطبیقی نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی

ایران و مدل مردسالارانه انقلاب

سهیلا افشارپور^۱، شیوا جلال پور^۲، لنا عبدالخانی^۳، روح اله شهابی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست پنجم، شماره ۹۶، پاییز ۱۴۰۱

 20.1001.1.1735501.1401.25.96.2.1

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی گفتمان انقلاب اسلامی و «مدل مردسالارانه انقلاب» در مورد نقش زنان در انقلاب اسلامی است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که «نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی و مدل مردسالارانه انقلاب، دارای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است؟» در این مطالعه، از روش کیفی تحلیل تماتیک استفاده شده است. این مطالعه از لحاظ نوع تحقیق جزء تحقیقات توسعه‌ای است. جامعه پژوهش حاضر، کتاب‌ها و مقالات منتشر شده از بیانات امام خمینی و نظریات مربوط به مدل مردسالارانه انقلاب است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و بر اساس ارتباط با کلیدواژه‌های مطرح شده بوده است و تعداد ۲۵۰ مورد از سخنان و جملاتی که به نقش زنان در انقلاب پرداخته بود، به عنوان نمونه انتخاب شد. «رعایت حقوق برابر زنان»، «شان سیاسی - اجتماعی»، «آزادی زنان» و «انسان‌سازی زنان» اصلی‌ترین تم‌های گفتمان انقلاب اسلامی و «مردسالاری»، «ناابرابری» و «خانه‌دار بودن» اصلی‌ترین تم‌های مدل مردسالارانه انقلاب اسلامی است. تفسیر مدل مردسالارانه انقلاب از نقش زنان در انقلاب با واقعیت نقش زنان در انقلاب اسلامی مهم‌ترین تفاوت این دیدگاه است و پیرنگ بودن نقش تاثیرگذار زنان در انقلاب مهم‌ترین شباهت مدل مردسالارانه انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی است.

واژگان کلیدی:

انقلاب اسلامی، جنسیت، زنان، گفتمان انقلاب اسلامی، مدل مردسالارانه انقلاب

^۱ گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران پست الکترونیک: afsharso12@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) پست الکترونیک: shiva-

jalalpour@iauhvaz.ac.ir

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران پست الکترونیک: with.policy@gmail.com

^۴ گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران پست الکترونیک: shahabi89@hotmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

۱-۱- مقدمه و موضوع

مسئله جنسیت^۱، یکی از مسائل مهم در جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب‌هاست. حضور زنان در انقلاب‌ها، همواره دست‌مایه پژوهش‌ها و مباحث بسیار بوده است. زنان، در بسیاری از جنبش‌ها و انقلاب‌ها، خود را از حصار تنگ نظام‌های عمدتاً مردسالار خارج کرده و در کنار آن‌ها به مبارزه علیه وضع موجود می‌پردازند. زنان، به‌عنوان قشر فعال جامعه، نقش پررنگی در شکل‌دهی به صورت‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی دارند. بسیاری از امور سیاسی و اجتماعی، زمانی به حد مطلوب خود نزدیک می‌شوند که زنان بالاترین نقش را در آن داشته باشند. انقلاب‌ها، به دلیل اینکه به دنبال تصویر کردن یک جامعه مطلوب برای همگان هستند، برای زنان که در اکثر جوامع «فرودست» محسوب می‌شوند، جذابیت‌های زیادی دارند. بر این مبنای، زنان می‌توانند با مشارکت در انقلاب، راهی میانه برای رسیدن به جایگاهی مناسب‌تر بیابند. از این‌رو، انقلاب‌ها همواره برای زنان جذابیت زیادی داشته و مشارکت در آن‌ها نسبت به دیگر امور سیاسی جامعه، بیشتر بوده است.

در گفتمان^۲ انقلاب اسلامی نیز به چنین مسائلی پرداخته شده است. مبارزات زنان پیش از انقلاب اسلامی و آرمان انقلاب اسلامی برای زنان و وضعیت آنان در جمهوری اسلامی از این حیث می‌تواند مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. از سوی دیگر نیز یکی از نظریه‌های مهمی که در مورد جنسیت و انقلاب عرضه شده است، مدل مردسالارانه انقلاب است که بیش از همه توسط والتین مقدم^۳، جامعه‌شناس آمریکایی ایرانی‌تبار تبیین شده که از نظریه پردازان مهم در زمینه مطالعات زنان، در حوزه ایران و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا^۴ است. او سعی کرده با مرکز قرار دادن مسئله انقلاب، وضعیت زنان را در جمهوری اسلامی تحلیل کند. در این پژوهش، به تحلیل تطبیقی جایگاه زنان در گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر بیانات امام خمینی و مدل مردسالارانه انقلاب پرداخته می‌شود.

۱-۲ ضرورت موضوع

از آنجایی که همواره زنان در نظام‌های سیاسی و اجتماعی، دارای سطح پایینی از مشارکت بوده‌اند، انقلاب‌ها همواره بسترساز حضور آن‌ها به‌عنوان بخش فعال و نیمی از جامعه در

1. Gender

2. discours

3. Valentine M Moghadam

4. Middle East and North Africa (MENA)



زمینه‌های مختلف هستند. از این‌رو، شناخت وضعیت زنان و همچنین دیدگاه‌های نظری پیرامون آن در یک انقلاب، ضرورت دارد. در انقلاب اسلامی نیز دربارهٔ زنان سخن بسیار، از جنبه‌های گوناگون گفته شده است. در عین حال، فهم وضعیت نقش و مشارکت زنان در انقلاب اسلامی، برای شناخت آن ضرورت بسیاری دارد، چراکه حضور زنان در انقلاب اسلامی، با توجه به وضعیت خاصی که زنان در عصر پهلوی داشتند، موضوعی قابل توجه است. در عین حال، شناخت رویکردهای مختلف در این زمینه و تطبیق آن‌ها باهم نیز از این‌رو ضرورت دارد که به شناخت دقیق‌تر این نقش کمک شایانی می‌کند. انقلاب اسلامی از وجوه مختلف، دارای تأثیرات زیادی در ایران بود و سامان سیاسی و اجتماعی آن را دچار دگرگونی کرد. در ساحت جنسیتی، با توجه به سطح مشارکت قابل توجه زنان، این موضوع در نظریه‌های مربوط به انقلاب اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفت. از این‌رو ضروری است این نظریه‌ها، شناخته و نسبت آن‌ها با گفتمان انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس پژوهش حاضر، به انطباق وضعیت زنان در انقلاب اسلامی و بیانات بنیان‌گذار آن می‌پردازد. یکی از نظریه‌های مهم و انتقادی نسبت به وضعیت زنان پس از انقلاب، مدل مردسالارانهٔ انقلاب است و برای فهم بهتر نقش زنان در انقلاب اسلامی، بررسی تطبیقی گفتمان انقلاب اسلامی، با تکیه بر بیانات امام خمینی و مدل مردسالارانهٔ انقلاب می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

۱-۳ اهمیت موضوع

مسئلهٔ جنسیت، از مباحث مهم در تحلیل یک انقلاب، در سه زمینهٔ مبارزات انقلابی، آرمان‌های آن و نظام مستقر پس از آن است. میزان و سطح مشارکت زنان، پیش و پس از انقلاب‌ها، همواره یکی از پر دامنه‌ترین مباحث، در شناخت یک انقلاب بوده و یکی از ضعف‌ها در نظریه‌های انقلاب، این است که کمتر به نقش زنان در انقلاب‌ها پرداخته شده است. در مطالعات جدید پیرامون انقلاب، اهمیت حضور زنان در آن، موضوعی است که مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. از قضا، حضور پررنگ زنان در انقلاب اسلامی که می‌توان از آن به «انقلاب چادر» تعبیر کرد، موجب شده است که پرداختن به آن، اهمیت زیادی پیدا کند. از لحاظ نظری، شناخت وضعیت زنان در این سه زمینه، از یک سو از درون گفتمان انقلاب اسلامی اهمیت دارد و سپس تطبیق آن با دیدگاه‌های نظری دیگری که به خصوص نگاه انتقادی به مسائل زنان در ایران دارند. بدون وجود نگاه تطبیقی و بهره‌گیری از شباهت‌ها و تفاوت‌ها، شناخت جایگاه زنان، به خصوص در گفتمان انقلاب اسلامی امکان‌پذیر نیست.



۴-۱ مسئله اصلی

مسئله اصلی این پژوهش، حضور و نقش زنان در انقلاب اسلامی است. این بحث، با در نظر داشتن مدل مردسالارانه انقلاب، به عنوان یکی از نظریه‌های مهم در مورد نقش زنان در انقلاب اسلامی، به تحلیل و تطبیق آن با گفتمان انقلاب اسلامی می‌پردازد. این تحلیل تطبیقی، می‌تواند به فهم درست نقش زنان در انقلاب اسلامی کمک شایانی بکند و مقایسه دو دیدگاه، با دو خاستگاه متفاوت، وجوه گوناگون این نقش را نشان می‌دهد، چراکه مدل مردسالارانه انقلاب چنان که توجه اساسی‌اش به این است که در نهایت توجه چندانی به نقش زنان در انقلاب اسلامی نمی‌شود و مردسالاری، به عنوان یک اصل اساسی به جا می‌ماند. از سوی دیگر مسئله این پژوهش آن است که زنان، بر مبنای گفتمان انقلاب اسلامی، در آنچه نقشی ایفا کرده‌اند. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش از این قرار است که: نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی و مدل مردسالارانه انقلاب، دارای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است؟

۵-۱ نحوه سازمان‌دهی مقاله

در این پژوهش، ابتدا به دیدگاه‌های نظری در مورد جنسیت و انقلاب، پرداخته خواهد شد و سپس این بحث نظری مورد توجه قرار خواهد گرفت که جنسیت در گفتمان انقلاب اسلامی چه جایگاهی از لحاظ نظری داشته است. سپس در بخش یافته‌ها، ضمن در نظر داشتن مؤلفه‌های برآمده از مبانی نظری به تحلیل تطبیقی میان گفتمان انقلاب اسلامی و مدل مردسالارانه انقلاب پرداخته خواهد شد. این تحلیل، با در نظر داشتن تحلیل تم‌های اساسی در این دو نظریه مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۲- ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱ ادبیات نظری

۲-۱-۱ سابقه و جایگاه جنسیت در نظریه‌های انقلاب

مطالعات زیادی نقش گسترده زنان را در انقلاب‌ها ثبت کرده است از انگلیس و فرانسه تا انقلاب‌های اخیر جهان سوم زنان در تظاهرات خیابانی، جنگ‌های پارتیزانی، میدان رزم، تهیه غذا و مهمات و رهبری ارتباطی فعال بوده‌اند. علی‌رغم این شرکت گسترده، اغلب میان شرکت زنان در انقلاب‌ها و کاراکتر جنسیت حرکت‌ها و ضرورت حضور آنان، به عنوان رهبران خودمختار، ارتباط کمتر از حد انتظاری وجود دارد (گلدستون، ۱۳۹۷: ۴۰۸). از این رو، در مطالعات سنتی در مورد انقلاب‌ها، کمتر به نقش زنان توجه شده است. نسل چهارم



نظریه‌های انقلاب که کسانی چون گلدستون^۱، فوران^۲ و مقدم در آن قرار می‌گیرند، به نقش زنان در انقلاب توجه دارند. به‌خصوص مقدم که در این پژوهش به نظریه او به‌صورت خاص توجه شده است. در بسیاری از موارد، حضور زنان به‌عنوان یک مسئله حاشیه‌ای در انقلاب‌ها مورد بحث بوده است و نسل چهارم نظریه‌های انقلاب، جنسیت را به‌مثابه یک ویژگی اساسی در انقلاب مورد نظر و بحث قرار داده‌اند. در تئوری‌های جدید انقلاب‌ها «اعتراضات و حرکت‌های انقلابی همیشه، چه به‌طور ضمنی و چه به‌صراحت، در مورد جنسیت در سازمان و اهدافشان بحث‌هایی دارند. از آنجاکه تقریباً تمام جوامع در تاریخشان مردسالار بوده‌اند حرکت‌های اعتراضی و انقلاب‌ها عموماً با رژیم‌ها و نهادهای مردسالار مخالفت می‌کنند. در نتیجه، آن‌ها مجبور به انتخاب‌اند؛ در حالی که با نظام‌های موجود مخالفت می‌کنند، با تسلط کاراکتر مردسالار در جامعه و در حرکتشان کنار می‌آیند و شکل آن را تغییر می‌دهند؟ یا اینکه به دنبال سرنگونی آن کاراکتر در حرکت و بینش خود هستند و یک جامعه جدید به وجود خواهند آورد؟» (گلدستون، ۱۳۹۷: ۴۰۸) در این میان، انقلاب اسلامی، در مطالعات مربوط به جایگاه زنان در انقلاب، تحولاتی را به وجود آورد که این موضوع از محورهای اصلی پژوهش حاضر نیز هست.

۲-۱-۲- انقلاب اسلامی و توجه به نقش زنان

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دو گفتمان سنتی و مدرنیته درباره مشارکت زنان وجود داشت که اولی زن را به نشستن در خانه تشویق می‌کرد و دومی نگاه ابزار گونه به زن داشت، اما گفتمان انقلاب اسلامی راه سوم را ابداع کرد؛ این گفتمان با طرح مسئله حجاب وضعیتی میانه ایجاد نمود که بر اساس آن از سویی برخلاف گفتمان سنتی، زنان می‌توانند در جامعه حاضر شوند و از سوی دیگر برخلاف گفتمان مدرنیزاسیون، نوعی خاص از حضور اجتماعی زن تعریف می‌شود (شیخ‌زاده و آصفری، ۱۳۹۹: ۱۶). بر این اساس می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی، توجه به نقش زن و بازآفرینی آن است. «در سال ۱۳۴۱ حق رأی به زنان داده شد. در پی آن، تعدادی به نمایندگی مجلس انتخاب شدند و گروهی نیز به مقام‌های بالا از جمله وزارت رسیدند؛ ولی بیشترین مشاغل، خاص گروه‌های بالای اجتماع بود. مشارکت در سطح توده هیچ‌گاه به معنای واقعی اتفاق نیفتاد. بین دو الگوی زن مدرن غرب‌گرا و زن سنتی با چادر، یک قشر بینابینی تشکیل شد که

1. Goldeston

2. Foran



غرب‌گرایی را نمی‌خواست، ولی درعین‌حال تحصیل‌کرده و شاغل بود» (ابراهیمی و فاضل و انصاری، ۱۳۹۹، ۲۷۵). این گروه از زنان که طیف‌های متنوعی را تشکیل می‌دادند، هسته اصلی زنان شرکت‌کننده در انقلاب را به وجود آوردند. «انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، جنبشی بود که در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد. زن مسلمان ایرانی نیز در این سال‌های آتش زیر خاکستر، همگام با مردان در جهاد و مبارزه با طاغوت بود و هر چه به سال ۱۳۵۷ نزدیک می‌شد بر تعداد و شدت فعالیت این زنان افزوده می‌شد. با شعله‌ور شدن آتش انقلاب، زن مسلمان نیز که تا پیش‌ازین با فعالیت‌های مخفی و به‌عنوان مادر شهید و یا همسر مبارزان در بند با رژیم شاه مبارزه می‌کرد، به خیابان‌ها آمد.» (سیاه‌سر و امینی و حسنی فر، ۱۳۹۹: ۵۰۶).

جدای از مسئله مشارکت زنان در فرایند انقلاب اسلامی، نفس این حضور موجب شد که انقلاب اسلامی بر روندهای نظری در مورد جایگاه زنان در انقلاب تأثیر بگذارد. «تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظریات مربوط به علل وقوع انقلابات، وسیع و چشمگیر بوده و با مطالعات بیشتر انقلاب اسلامی، این اثرگذاری روزبه‌روز افزایش می‌یابد. در اینجا این تأثیرات در سه بعد مهم مورد بحث قرار می‌گیرد: ۱. نقش و اهمیت فرهنگ و متغیرهای فرهنگی در تبیین انقلابات؛ ۲. کاهش اثر عوامل ساختاری در وقوع انقلابات و ۳. نقش زنان در انقلابات.» (پناهی، ۱۳۸۷: ۲۷۶) براین‌اساس، «یکی دیگر از موضوعات جدیدی که در اثر مطالعه انقلاب اسلامی وارد جامعه‌شناسی انقلاب شده، نقش زنان در انقلابات و تبیین آن‌هاست که تاکنون در تبیین انقلابات غایب بوده است.» از این‌رو، «اثر مستقیم زنان در فرایند انقلاب شرکت‌فعالانه آنان در تظاهرات و اقدامات ضد رژیم بود، که طبعاً به قدرت جنبش انقلابی می‌افزود و حتی تحریک‌کننده مشارکت بیشتر مردان در فرایند جنبش انقلابی بود» (پناهی، ۱۳۸۷: ۲۹۲).

براین‌اساس باید در نظر داشت که «در برخی از مقاطع تاریخی زنان فرصتی برای بروز استعدادهای خود یافته‌اند یکی از این مقاطع انقلاب اسلامی ایران است. در دوره منتهی به انقلاب اسلامی کنش اعتراض‌آمیز زنان معطوف به حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بوده و خواست‌های آنان با خواست‌های مردان تجمیع شده و تمایزها و تفاوت‌های قابل توجهی در خواست‌های کلی مشاهده نمی‌شد. پس از انقلاب اسلامی حوزه‌های مختلف (اجتماعی، سیاسی فرهنگی، اقتصادی) جامعه ایران دگرگون شد و این مسئله تأثیرات فراوانی بر روی اقشار اجتماعی جامعه ایران بالأخص زنان نهاد» (کسرای و طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۶۸).



۲-۱-۳- دیدگاه‌ها در خصوص جنسیت و انقلاب

در اینجا، به سه دیدگاه مهم در مورد نقش زنان در انقلاب توجه می‌شد که به ترتیب دیدگاه فوران، گلدستون و مقدم است.

- دیدگاه جان فوران

فوران در تأملات خود دربارهٔ انقلاب اسلامی ایران، به نقش زنان می‌رسد و آن را مورد بحث قرار می‌دهد. به نظر او، «زنان سهم مهمی در انقلاب داشتند و در اغلب موارد این نقش در راستای خطوط طبقاتی بود. در تظاهراتی گسترده، هزاران زن چادری پیشاپیش صفوف جمعیت حرکت می‌کردند و با این کار ضمن اینکه خطر را به جان می‌خریدند از دامنهٔ خطر می‌کاستند. این‌ها عمدتاً «زنان بازاری»، زنان طبقه‌های پایین و دانشجویان بودند. زنان در شوراهای کارگری نیز حضور داشتند اما تعدادشان زیاد نبود (و شاید حتی به نسبت تعدادشان در نیروی کار نمی‌رسید)» (فوران، ۱۳۷۷: ۵۷۳). به این صورت، به نظر می‌رسد جان فوران، از دیدگاه چپ و طبقاتی به نقش زنان در انقلاب می‌پردازد. در عین حال، فوران دارای «نظریه» خاصی در مورد نقش زنان در انقلاب نیست، اما به جایگاه آن‌ها در انقلاب بها می‌دهد.

- دیدگاه گلدستون

جک گلدستون بر این اعتقاد است که در انقلابات نوین، «فرهنگ»، «ایدئولوژی»، «رهبری»، «بسیج انقلابی» و «ائتلاف‌های طبقاتی»، «شبکه‌های ارتباطی» پیوند داشته و در شکل‌گیری انقلاب‌ها نقش دارند. در این میان، مهم‌ترین مؤلفهٔ مورد اشارهٔ او، رهبری است. به اعتقاد او «رهبری و هدایت به‌عنوان یک ویژگی ممتاز در همهٔ انقلاب‌ها وجود دارد» (قاسمی و بختیاری، ۱۳۹۹: ۴-۵). در این میان به اعتقاد او، «باوجود مشارکت گستردهٔ زنان در انقلاب‌ها در طول تاریخ و رهبری سطح خرد جامعه در اغلب آن‌ها همواره برابری جنسیتی^۱ یا غایب بوده یا اگر آشکار شده هنوز در کشمکش‌های پس از انقلاب است و جنبهٔ عملی پیدا نکرده است» (گلدستون، ۱۳۹۷: ۴۲۰).

- مدل مردسالارانهٔ انقلاب^۲

این نظریه را والناتین مقدم مطرح کرده و در عین حال، یکی از اصلی‌ترین نظریه‌ها در مورد جنسیت و انقلاب است. مقدم مسئله خود در مورد جنسیت و انقلاب را با آنچه «مدل

1. Gender equality

2. The patriarchal model of the revolution



پدرسالارانه انقلاب» می‌نامد، مطابقت می‌دهد و به‌نوعی تکلیف خود را پیش از ورود به بحث، مشخص می‌کند و انقلاب ۱۹۷۸-۱۹۷۹ ایران و روند «اسلامی‌شدن» متعاقب آن را مورد بررسی قرار می‌دهد (Moghadam, 1995: 329). به اعتقاد مقدم، روابط جنسیتی بخش مهمی از فرهنگ، ایدئولوژی و سیاست جوامع انقلابی را تشکیل می‌دهد و یقیناً دولت‌های انقلابی، تلاش قابل توجهی را برای قانون‌گذاری برای ایجاد وضعیت اجتماعی زنان، تجدیدنظر در قوانین خانواده و تعیین اختیارات مردان انجام می‌دهند، اما در جامعه‌شناسی انقلاب، «جنسیت»، برخلاف طبقه یا دولت یا نظام جهانی، به‌عنوان یک مقوله سازنده تلقی نمی‌شود (Moghadam, 1995: 332). این را باید در نظر داشت که اگرچه تغییرات در روابط جنسیتی به‌ویژه در نتایج انقلابی مشهود است، اما تاکنون شواهد کمتری برای نقش جنسیت در علیت انقلاب وجود دارد. با این حال، در مورد انقلاب ایران، این فرضیه قابل قبول است که جنسیت با مقوله طبقه تلاقی می‌کند تا حداقل برای بخشی از ائتلاف انقلابی، به‌عنوان عاملی سببی در شورش علیه شاه و چرخش به سوی اسلامی‌شدن انقلاب مورد نظر قرار گیرد. به این معنا که حضور فزاینده زنان طبقه متوسط و «غربی‌شدن»^۱ زنان بورژوا، موجب شد که مردان طبقه متوسط رو به پایین را که به دنبال بازیابی نقش‌های جنسیتی سنتی به‌عنوان بخشی از اهداف انقلابی خود بودند، آزرده‌خاطر کرد (Moghadam, 1995: 333). البته در اینجا باید در نظر داشت که یک دولت، ممکن است با برآوردن خواسته‌های عملی فوری زنان یا منافع طبقاتی خاص یا هر دو، حمایت آن‌ها را به دست آورد. ممکن است این کار را بدون پیشبرد منافع استراتژیک خود انجام دهد. با این حال، ادعای چنین دولتی مبنی بر حمایت از رهایی زنان را نمی‌توان صرفاً بر اساس شواهدی مبنی بر اینکه حمایت از زنان بر اساس نمایندگی برخی از منافع عملی یا طبقاتی آن‌ها حفظ کرد، اثبات کرد (Molyneux, 1986: 286).

مقدم، دو نوع انقلاب، دگرگونی اجتماعی و ساخت هویتی را از یکدیگر متمایز می‌کند:

۱. مدل رهایی یا نوسازی زنان و ۲. الگوی زن در خانواده یا الگوی مردسالارانه انقلاب. این الگوها، به‌طور نسبتاً صادقانه، انواع انقلاب‌هایی را که رخ داده مشخص نموده و پویایی جنسیتی آن‌ها را نشان می‌دهند. در بیشتر این الگوها، انقلاب، از مدل رهایی زنان می‌گوید که این مسئله بخش اساسی انقلاب یا پروژه تحول اجتماعی است. در این دیدگاه، زنان به‌عنوان بخشی از نیروهای مولد و شهروندی است که برای رسیدن به اهداف اقتصادی و

1. Westernisation



سیاسی بسیج می‌شوند (Moghadam, 1995: 335). مقدم، به وجه «مردسالارانه» انقلاب اسلامی توجه دارد و آن را در مسئله جنسیت و انقلاب برجسته می‌کند و آن را در مرکز نظریه خود درباره جنسیت و انقلاب قرار می‌دهد. او بر این اساس می‌نویسد: «در انقلاب‌های قرن بیستم که پیامدهای مردسالارانه مشابهی برای زنان داشت - به‌ویژه مکزیک، الجزایر و ایران - زنان علی‌رغم نقش‌های مهمی که در جنبش‌های انقلابی ایفا کرده بودند، به حوزه خصوصی تنزل داده شدند. در این سه مورد، مردان زمام قدرت را به دست گرفتند، مسئولیت خانواده، مذهب و سنت را به زنان واگذار کردند و قوانینی را برای تدوین روابط جنسیتی مردسالار از جمله شهروندی درجه دوم برای زنان وضع کردند. انقلاب‌ها و پیامدهای جنسیتی تمایز انقلاب‌ها بر اساس نتایج جنسیتی نشان می‌دهد که جنسیت در واقع بعد جدایی‌ناپذیر فرایند انقلابی است و جامعه‌شناسی انقلاب باید به آن ارزش مفهومی قائل شود» (Moghadam, 1995: 338).

مقدم با بررسی انقلاب اسلامی و مقایسه آن با انقلابات اروپای شرقی، چارچوب مفهومی زیر را ارائه می‌دهد: جنسیت، فرایند دگرگونی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی انقلابات را شکل می‌دهد؛ بر روابط جنسیتی موجود در جامعه و بر اهداف انقلابی، گفتمان‌ها و الگوهای بسیج اثر می‌گذارد؛ رژیم‌های انقلابی همیشه روابط زن و مرد را بازتعریف کرده و قوانین جدیدی در این مورد وضع می‌کنند؛ و دست‌آخر این که انقلابات ممکن است به مسائل زنان بپردازند، ولی مخالف اهداف فمینیستی باشند یا این که در پی آزادسازی زنان باشند و یا هر دو هدف را پی بگیرند (پناهی، ۱۳۸۷: ۳۰۸).

مقدم، چهارچوب نظری خود، بر گزاره‌های زیر استوار می‌کند:

۱. انقلاب‌ها مستلزم تلاش‌های آگاهانه برای دگرگونی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی هستند. در این میان، جنسیت، به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار اجتماعی، این فرایندها را شکل می‌دهد و در جریان و پیامد انقلاب‌ها دخیل است.
۲. درحالی که روابط جنسیتی از پیش موجود، بر اهداف، گفتمان‌ها و الگوهای بسیج تأثیر می‌گذارد، ممکن است خود در جریان انقلاب یا پس‌از آن تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر کند. برخی از جنبه‌های نظام جنسیتی موجود ممکن است عمیقاً جنبش انقلابی و سیاست‌های رژیم انقلابی جدید را شکل دهد، درحالی که سایر جنبه‌های همان نظام جنسیتی ممکن است اساساً از طریق تلاش‌ها، سیاست‌ها و قوانین آگاهانه تغییر یابد. رابطه بین نظام جنسیتی و فرایند انقلابی رابطه‌ای تعاملی است.



۳. رژیم‌های انقلابی، تقریباً همیشه به قانون‌گذاری مناسبات جنسیتی جدید، بازتعریف اختیارات مرد و زن، وضع سیاست‌های اجتماعی مربوط به مردان، زنان، خانواده و غیره می‌پردازند. این‌ها، اغلب، اقدامات شدیدی هستند که در نظر گرفته می‌شوند تا جامعه جدید را تا حد امکان متفاوت از جامعه پیشین کنند. این موضوع، نشان‌دهنده مرکزیت داشتن جنسیت در دولت‌سازی، سازمان‌دهی مجدد تولید و بازتولید و ساخت هویت ملی است.

۴. انقلاب‌ها ممکن است فقط نیازهای عملی را تأمین کنند و با اهداف فمینیستی دشمنی داشته باشند یا ممکن است رهایی جنسیتی^۱ یا هر دو را پیش ببرند. به دلیل تمایز اجتماعی زنان (تقسیمات طبقاتی، قومی و ایدئولوژیک)، مشارکت زنان در جنبش‌های انقلابی و واکنش‌های آن‌ها به رژیم جدید و سیاست‌های آن متنوع است و نمی‌توان آن را فرض کرد. انقلاب، اسلامی شدن و زنان در ایران برنامه‌نوسازی سریع شاه که در سال ۱۹۶۰ آغاز شد، آرزوها و انتظارات زنان و مردان «تازه‌شهری شده»^۲ را بالا برد، به‌ویژه طبقه متوسط روبه رشد، از طریق فرصت‌های تحصیلی و شغلی جدید و نیز ثروت نفتی کشور. با این حال، این سیستم نمی‌توانست همه را تأمین کند و حکومت شخصی‌گرایانه شاه به‌طور فزاینده‌ای منفور می‌شد (Moghadam, 1995: 339-340)؛ بنابراین، دیدگاه مقدم را می‌توان دیدگاه «منازعه» میان زنان دانست که به‌زعم او، به دنبال ایجاد تعارض میان وضعیت خود و خواست اسلام‌گرایان هستند.

۲-۱-۴- فمینیسم اسلامی^۳

یکی از دیدگاه‌هایی که به انطباق فمینیسم (به‌عنوان یک پارادایم بنیادین در مطالعات زنان) با اسلام پرداخته، فمینیسم اسلامی است. «مفهوم فمینیسم اسلامی با دلالت بر ارائه تفاسیر مدرن و زن‌دوستانه از اسلام، امروزه در ادبیات دانشگاهی در سطح بین‌المللی رواج دارد» (نصرت خوارزمی و قاسم‌پور و نصرت خوارزمی، ۱۳۹۹: ۹۳۸). «فمینیسم اسلامی» برآمده از «اقدام انفعالی تجددگرایان اسلامی بود که با قصد دفاع از حقوق زن مسلمان، حامل نگرشی مقابله‌گرایانه در برابر هرگونه نگرش مردسالار بود. این اصطلاح را ناظران غربی و برخی از فعالین عرصه زنان به شاکله فعالیت‌های فکری و اجتماعی زنان داده‌اند. ایشان به تدریج در سه چهار دهه اخیر تلاش کردند، مبتنی بر ایجاد بسترهای معرفتی روشی را اتخاذ کنند که بر اساس یک سرمشق و الگوی جدید مبتنی بر فهم متون

¹. Gender Liberation

². Newly urbanized

³. Islamic feminism



اسلامی برای زنان راهگشا باشد و برای پاسخ‌گویی به مطالب و مشکلات زنانه نگرش‌های مردانه را منتفی کنند و نگرش‌های جنسیت‌مدارانه را در تاریخ و تفسیر و فقه مردود شمارند تا با تطور در روش شناختی جدید خود، مسائل زنان را در پیکره حقوق اسلامی به سرانجام برسانند» (میرخانی، ۱۳۹۷، ۱۷-۱۸). این دیدگاه، بر برابری خواهی زنان تأکید بسیاری دارد و آن را در جوامع مسلمان جست‌وجو می‌کند. از این‌رو، توجه به این موضوع، برای شناخت بهتر وضعیت زنان در ایران، حائز اهمیت زیادی است. باید به این نکته توجه داشت که در حقیقت، زنان ایرانی از اوایل قرن بیستم تا سال‌های پس از انقلاب ۱۹۷۹، در تلاش برای دستیابی به برابری جنسیتی، به شیوه‌های متنوع و پیچیده با دولت و جامعه تعامل داشته‌اند. این را باید در نظر داشت که با بررسی بسیاری از حوادث تاریخی این موضوع مشخص می‌شود که چگونه استفاده از یک گفتمان غربی، سکولار و اومانیستی حول موضوع رهایی زنان، هم نتوانست برابری جنسیتی مشروع را فراهم کند و هم به تقویت دیدگاه‌های سنتی در مورد زنان کمک کرد (Vogel, 2018: 1). همچنین، در دهه‌های پایانی قرن بیستم، زنان ایرانی - که فعالانه در انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ شرکت داشتند - از ظرفیت‌های سیاسی خودآگاه شده‌اند و به مبارزه فعال برای حقوق خود پرداخته‌اند. باگذشت زمان، زنان مسلمان مذهبی بیشتری نیز به چنین فعالیت‌هایی پیوستند و تفسیر برابری طلبانه‌تری از اسلام به‌عنوان دینی ارائه کردند که در دوره معاصر ممکن است با هر دو جنس برابرتر رفتار شود (NIECHCIAŁ, 2019: 163). بر این اساس است که دیدگاه فمینیسم اسلامی، می‌تواند به فهم نگاه برابری خواهانه‌ای که در انقلاب اسلامی، از منظر جنسیت به آن توجه شده بود، کمک کند.

این‌چنین است که باید در نظر داشت، شکل‌گیری چنین دیدگاهی «واکنشی به توسعه اسلام سیاسی طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی بود. اگرچه ایران و مصر، به‌عنوان مهد بروز اسلام سیاسی^۱ در این دهه‌ها محسوب می‌شوند، اما تحلیل‌گران، فمینیسم اسلامی در ایران را با بقای اسلام سیاسی و تأسیس جمهوری اسلامی به‌عنوان حکومتی اسلامی، مهم‌تر ارزیابی می‌کنند» (نصرت خوارزمی و قاسم‌پور و نصرت خوارزمی، ۱۳۹۹: ۹۳۸). از این‌رو این دیدگاه، برای فهم جایگاه زنان پس از انقلاب اسلامی دارای اهمیت زیادی است. در ایران نیز مقوله فمینیسم اسلامی به گفتمانی قابل‌اعتنا بدل شد؛ زیرا ایران نه تنها خاستگاه، بلکه میدان تکوین این گفتمان است و این موضوع خواه‌ناخواه، مطالبات مدنی و

^۱. Political islam



سیاست‌های فرهنگی ایران را در داخل تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، ایران، به‌عنوان تنها کشور اسلامی که توانسته است با پیروزی انقلاب به تأسیس یک نظام سیاسی بی‌بدیل مانند جمهوری اسلامی دست یابد، بی‌شک از موضع حقوق شهروندی زنان، از سوی پرسش‌گران بین‌المللی، اعم از علاقه‌مندان به آن یا مخالفان آن، بررسی می‌شود و بخشی از این مطالبات تحت لوای نظری و مدنی فمینیست‌های اسلامی مطرح و تفسیر می‌شود (نصرت خوارزمی و قاسم‌پور و نصرت خوارزمی، ۱۳۹۹: ۹۳۹).

«فمینیسم اسلامی همواره به دنبال یافتن پایگاهی محکم در جوامع اسلامی بوده و در این راه هیچ تلاشی را فرونگذاشته است؛ زیرا با پذیرش فمینیسم اسلامی در کنار سایر انواع فمینیسم و نیز به‌عنوان جریانی اسلامی، بر طرفداران این نظریه روزبه‌روز افزوده شده، بنیان‌گذاران آن می‌توانند مشروعیتی نسبی را برای نظرات خود فراهم آورند و بدین ترتیب راه برای تغییر حقوق زنان در این کشورها به‌مرورزمان هموار گردد» (حسن‌نیا و آزادبختی و بستاکچی، ۱۳۹۸: ۱۲۳). «بخشی از پیشروان فمینیسم اسلامی در ایران را زنان و مردانی تشکیل دادند که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن از مدافعان آرمان‌های انقلاب و نظام اسلامی بوده‌اند و تلاش کرده‌اند در چهارچوب قوانین اسلامی از حقوق زنان دفاع کنند. البته برخی از آن‌ها به‌مرور با پذیرش آموزه‌های فلسفی، فرهنگی و اجتماعی مدرن و همچنین آموزه‌های فمینیستی به‌طور خاص، در مسیر روشنفکری دینی قرار گرفتند؛ بنابراین آن‌ها در پی ارائه خواهش‌های جدیدی از اسلام بوده‌اند که قرابت بیشتری با تأمین حقوق و مشارکت فردی و اجتماعی زن و مرد بر مبنای برابری جنسیتی داشته باشد» (نصرت خوارزمی و قاسم‌پور و نصرت خوارزمی، ۱۳۹۹: ۹۴۵).

دفاع از هویت فردی زن، یکی از مؤلفه‌های مهم فمینیسم اسلامی است. به‌زعم فمینیست‌های اسلامی هویت زن در جمهوری اسلامی در برابر حقوق و مسئولیت‌ها و همچنین مصالح خانوادگی و اجتماعی نادیده گرفته شده است. فمینیست‌های اسلامی معتقدند از ابتدای انقلاب زن به‌مثابه نماد ایستادگی علیه جریان فرهنگی امپریالیستی بوده که به دنبال اضمحلال فرهنگ بومی اسلامی و ایرانی بوده است. از این‌رو، توقع از زن انقلابی این بود که با تربیت افراد و جامعه انسانی آگاه، به اسلام خدمت کند (golkar, 2015: 116). در عین حال، بر مبنای آنچه در اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده، «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» در عین حال، از آنجا که مطابق اصل ۱۰ «خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات



و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. «ازین‌رو، در چنین برداشتی زن انقلابی، از مصرف‌زدگی و استثمار غرب محور پهلوی رهاشده و وظیفه خطیر مادری در پرورش انسان‌های مکتبی را بر عهده می‌گیرد (Paidar, 1995: 257-259).

۲-۲- پیشینه پژوهش

باتوجه به اینکه مقاله حاضر درباره مطالعه تطبیقی نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی ایران و «مدل مردسالارانه انقلاب» است، پیشینه مربوط به آن نیز در دو حوزه اصلی مورد جست‌وجو قرار گرفت: ۱. پژوهش‌های مرتبط با نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی ۲. نقش زنان در انقلاب‌ها به‌طور کلی. بنا بر جست‌وجوهای محقق در پایگاه‌های پژوهشی، پیشینه موجود در میان پژوهش‌های خارجی در این حوزه اندک است، اما در مورد نقش زنان در انقلاب اسلامی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

نویسندگان و روش استفاده‌شده	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
صادقی (۱۴۰۰) تاریخی - تطبیقی	عوامل سیاسی و به‌ویژه نقش دولت در تغییر سیاست در مورد زنان	الگوی اصلاحات دموکراتیک که ناشی از هم‌زمانی جنبش زنان، دولت اصلاح‌گرا و توازن میان نیروهای اجتماعی نوگرا و سنت‌گرا بوده است، در سال‌های اولیه پس از جنبش مشروطه و دو دوره موسوم به سازندگی و اصلاحات در سال‌های پس از انقلاب ظاهر شد و تغییراتی نسبتاً عمیق و پایدار در وضعیت زنان به همراه داشت.
نصرت خوارزمی و قاسم‌پور و نصرت خوارزمی (۱۳۹۹) تحلیل گفتمان	مطالعه فمینیسم اسلامی	نقد رویکرد جمهوری اسلامی به تقلیل هویت زنانه به خانواده و اجتماع، تأکید بر برابری ارزشی زن و مرد برای دستیابی به تشابه حقوقی، توقف قانون‌گذاری نابرابر میان زنان و مردان مبتنی بر تفاسیر دینی و توسعه مشارکت زنان در جامعه مدنی از جمله موارد انتقاد فمینیسم اسلامی به جمهوری اسلامی است.



<p>زنان قبل از انقلاب اسلامی موقعیت‌هایی محدودی را کسب کردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت زنان دوباره متحول شد و در این برهه مشکلات عدیده‌ای که جامعه با آن مواجه شده بود، مانع از توجه به مسائل زنان و احیای حقوق ازدست‌رفته آنان بود. لیکن پس از بهبود نسبی اوضاع جامعه، مجدد موضوع حقوق زنان و جایگاه واقعی این قشر مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفت.</p>	<p>تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران بین سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۸۴)</p>	<p>حاجی قهرمانی و همکاران (۱۳۹۹) توصیفی - تحلیلی</p>
<p>نسب به زنان سه رویکرد وجود دارد. در عصر بیداری اسلامی، ما شاهد آنیم که نگاه زن از حالت رویکرد منفعلانه و مدرن‌سازی غربی به رویکرد تمدن‌سازی بر اساس ارزش‌های اسلامی تبدیل شده است و حاصل آن حرکت به سوی کمال را سرعت بخشید و زن مسلمان متحول و همین امر باعث تأثیرات مهمی در بیداری اسلامی زنان مسلمان شده است.</p>	<p>جایگاه زنان در انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی</p>	<p>اخترشهر (۱۳۹۹)</p>
<p>با اتخاذ روش تحلیل محتوای کیفی در چارچوب رویکرد منظومه‌ای، دو مفهوم کلیدی الگوی سوم و انسان انقلابی به دست آمده که هریک از این مفاهیم ابعاد تصویر را نمایان می‌کند و تصویر تولیدشده مبین نگاه فراجنسیتی اما با ملاحظات جنسیتی رهبر انقلاب به موضوع زن در کلان‌منظومه فکری ایشان است.</p>	<p>مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای)</p>	<p>خادمی و تقی‌زاده (۱۳۹۸)، تحلیل محتوای کیفی</p>
<p>خرده‌گفتمان سازندگی بر حضور زنان در اجتماع با نشانگان آموزش و اشتغال تأکید دارد. در مقابل، خرده‌گفتمان اصلاحات بر مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی که هم‌ارز با توانمندسازی و اشتغال تلقی شده است، با نشانگان «تغییر نگرش به زنان»، «فرصت‌های برابر»، «عدم توجه به جنسیت»، «دانش و آگاهی»، «تحکیم خانواده» و «حجاب (با تساهل)» تأکید می‌کند.</p>	<p>مطالعه «هویت زنان» در خرده‌گفتمان‌های انقلاب اسلامی یعنی سازندگی، اصلاحات، اصول‌گرایی رادیکال و اعتدال</p>	<p>عظیمی دولت‌آبادی و علی‌پور (۱۳۹۸) تحلیل گفتمان</p>



<p>هویت جدید برای زنان هویتی کاملاً متفاوت با قبل نبود، بلکه بازاندیشی و بازنگری در گفتمان سنتی و مدرن بود که بر اساس شاخص‌های جدید آن را عرضه کردند.</p>	<p>بررسی چگونگی سوژگی زنان در شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی</p>	<p>کریمی و نوابخش و ازکیا (۱۳۹۷) گفتمان لاکلا و موف</p>
<p>عظمت مقام زنان و تجلیل از دستاوردهای آن‌ها، انسانیت، برابری، مقام مادر، شجاعت، حق و تکلیف قائل شدن برای مشارکت در تعیین سرنوشت زنان، ترفیع جایگاه زن در همه شئون زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی</p>	<p>جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران</p>	<p>سیمبر و رضاپور (۱۳۹۷)، توصیفی - تحلیلی</p>
<p>گفتمان امام خمینی (ره)، گفتمان پهلوی را با خارجی بودن، قائل به شیء بودن زنان، موافقت با فحشا و بالأخص به‌عنوان گفتمانی که عفت و دین‌داری زن را در حاشیه قرار داده، معرفی می‌کند و معتقد است گفتمان پهلوی با طرح شعارهایی چون حرکت به‌سوی ترقی و پیشرفت، طرف‌داری از آزادی زنان، احترام برای زنان، برابری زنان و مردان و تمدن مدار بودن تلاش دارد زنان را سوژه گفتمان خود کند.</p>	<p>انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان ظهور و بروز یک تحول گفتمانی در جامعه ایران</p>	<p>کوثری و تفرشی و علوی نکو (۱۳۹۶) گفتمان</p>
<p>همه انقلاب‌ها از زمان انقلاب فرانسه رویدادهایی بوده‌اند که در آن روابط جنسیتی مورد مذاکره قرار گرفته و گاهی اوقات بازتعریف شده‌اند. نظم جنسیتی که در اواخر قرن هجدهم پدیدار شد، نقش‌های مرد و زن را با پیوند دادن آن‌ها به فضاهای عملی خاص تعریف کرد: زنان از سیاست نهاده شده، علوم و ارتش کنار گذاشته شدند، درحالی‌که قانون خانواده که در قوانین مدنی گنجانده شده بود، آن‌ها را تابع قوانین می‌کرد. انقلاب‌های قرن نوزدهم این نابرابری‌ها را به چالش کشید. درحالی‌که ستیزه‌جویی انقلابی جنسیت مرد را تقویت می‌کرد، تبعیضات قانونی بی‌شمار برای زنان پس از انقلاب‌های قرن بیستم لغو شد.</p>	<p>جنسیت و انقلاب در اروپا، قرن ۱۹-۲۰</p>	<p>Hauch (2022) تحلیلی - تاریخی</p>



هدف ارائه یک نمای کلی از تحولات حوزه زنان، جنسیت و توسعه، با تمرکز بر مشارکت‌های جامعه‌شناسان و جلب توجه به مشارکت‌های مفهومی و تجربی جامعه‌شناسان فمینیست توسعه.	آیا توسعه ضعیف می‌شود یا تقویت می‌شود مردسالاری و نابرابری جنسیتی؟	Moghadam (2016)
بررسی دقیق منطقی‌های رسمی دولت برای سیاست‌های جداسازی جنسیتی و تنش‌ها و مشکلاتی که این سیاست‌ها به آن‌ها می‌پردازند، روشن می‌کند که چگونه دولت به‌طور مداوم قدرت خود را به‌منظور حفظ مشروعیت تنظیم مجدد می‌کند.	فرایندهای تشکیل دولت و شیوه‌های تفکیک جنسیتی در ایران پس از انقلاب	Shahrokhi (2013)
نابرابری‌های حقوقی، واقعیت‌های اجتماعی معاصر و هنجارهای بین‌المللی؛ و نقاط قوت و ضعف کنش جمعی زنان.	کاستی در وضعیت حقوقی و موقعیت اجتماعی زنان به نام احیای دینی	Moghadam (2004)

نوآوری این پژوهش آن است که در مسئله «جنسیت» و «انقلاب» به‌صورت مشخص، به دیدگاه یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در این حوزه یعنی مدل مردسالارانه انقلاب پرداخته و ضمن تبیین دیدگاه‌های او، به نقد آن با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی می‌پردازد. این نقد، بیش از همه مبتنی بر بیانات امام خمینی (ره) است.

۳- روش تحقیق

در این مطالعه، از روش تحلیل تماتیک به‌منظور مقایسه تطبیقی جایگاه زنان در انقلاب با توجه به مدل مردسالارانه انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی استفاده شده است. این مطالعه از لحاظ نوع تحقیق جزء تحقیقات توسعه‌ای است. تحقیق توسعه‌ای پژوهشی است که باهدف گسترش مرزهای دانش عمومی بشر صورت می‌گیرد بنابراین هر یک از موضوعاتی که در حوزه علوم انسانی و تجربی بتواند به گسترش این علوم کمک نماید و به شرح و تبیین آن بپردازد و وجوه ناشناخته آن را روشن کند در حوزه تحقیقات توسعه‌ای جای می‌گیرد. پژوهش توسعه‌ای کار نظام‌مندی است که با استفاده از دانش حاصل از تحقیقات یا تجربه علمی در جهت تمهیدات جدید، استقرار فرایندها و نظام‌های جدید انجام می‌شود. جامعه پژوهش حاضر، کتاب‌ها و مقالات منتشرشده از بیانات امام خمینی (ره) و همچنین



نظریات مربوط به مدل مردسالارانه انقلاب است. نمونه‌گیری باتوجه‌به کیفی بودن روش تحقیق و مسئله تحقیق، به‌صورت هدفمند و بر اساس ارتباط با کلیدواژه‌های مطرح‌شده بوده است. به این صورت که کتاب‌های مرتبط با نقش و جایگاه زنان در انقلاب را جست‌وجو کرده و تعداد ۲۵۰ مورد از سخنان و جملاتی که به نقش زنان در انقلاب پرداخته بود، به‌عنوان نمونه انتخاب شد.

نمونه منابع بررسی‌شده در مطالعه نقش و جایگاه زنان در انقلاب

ردیف	نام منبع	نویسنده
۱	کتاب جایگاه زن در اندیشه امام خمینی	امام خمینی (ره)
۲	زن و خانواده از دیدگاه امام خمینی	امام خمینی (ره)
۳	وصیت‌نامه امام خمینی	امام خمینی (ره)
۴	تحلیل تطور دیدگاه‌های امام خمینی درباره زنان	مهدی مهریزی
۵	نقش زنان در نهضت امام خمینی	ساسان طهماسبی کیهانی
۶	کتاب زن از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای	آیت‌الله خامنه‌ای
۷	جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد، برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب	امیرحسین بانکی پور فرد
۸	تأثیر نظامی سازی بر نابرابری جنسیتی و مشارکت زنان در نیروی کار (۲۰۱۹)	والنتین مقدم
۹	جنسیت و تحول انقلابی: ایران ۱۹۷۹ و شرق اروپای مرکزی ۱۹۸۹ (۱۹۹۵)	والنتین مقدم
۱۰	کتاب انقلاب جنسیتی: زنان و سیاست در ایران و افغانستان (۱۹۹۹)	والنتین مقدم
۱۱	انقلاب، دین و سیاست جنسیتی: مقایسه ایران و افغانستان (۱۹۹۹)	والنتین مقدم

۳-۱- استراتژی کلی تحقیق

روش تحلیل تماتیک از روش‌های اصلی و مبنایی تجزیه و تحلیل کیفی و روشی برای کشف و شناسایی، تجزیه و تحلیل و گزارش الگوهای مضامین موجود در داده‌ها است (Braun & Clarke, 2006). با استفاده از این روش، داده‌ها به شیوه‌ای تقطیع، دسته‌بندی، خلاصه‌سازی و بازسازی می‌شوند که مفاهیم مهم موجود در مجموعه داده‌ها، ثبت شوند (Ayres, 2008). در این روش پژوهشگر از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگو یابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی می‌رسد؛ بنابراین در این روش، داده‌ها



فصلنامه علمی - پژوهشی / مطالعات راهبردی بسیج / سال بیست و پنجم / شماره ۹۳ / پاییز ۱۴۰۱

بر اساس مقوله‌های معنایی مشترک دسته‌بندی می‌شوند و پس از آن بر اساس عبارت‌های دسته‌بندی‌شده در هریک از مقوله‌ها و در فرایندی سلسله‌مراتبی، تم‌های اصلی کشف می‌شود (حاضری و حاجی‌هاشمی، ۱۳۹۳).

۳-۲- تعریف مفاهیم یا متغیرها

جنسیت: فمینیست‌ها میان دو مفهوم جنس^۱ و جنسیت^۲ تفاوت قائل می‌شوند و درحالی‌که تفاوت‌های جنسی را دارای ریشه طبیعی می‌دانند، منشأ تفاوت‌های جنسیتی را در فرهنگ و نه در طبیعت جست‌وجو می‌کنند. آنان معتقدند، نباید پنداشت که جنسیت، خود به دنبال جنس ظهور می‌کند. به دیگر بیان، چنین نیست که هر کس مؤنث باشد به‌طور طبیعی ایفاگر نقشی زنانه است، بلکه این نقش ساخته و پرداخته فرهنگ مردسالار است. (عطارزاده، ۱۳۸۷) جنسیت را در سه معنا نیز به‌کاربرده‌اند: «جنسیت طبیعی»^۳ تمایز موجود میان جنس ماده و نر در هرگونه از موجودات است. «جنسیت دستوری»^۴ تمایز میان «مذکر» و «مؤنث» بوده و طبقه‌بندی اسامی در برخی از زبان‌ها را نشان می‌دهد. «جنسیت اجتماعی»^۵ برای طبقه‌بندی افراد از نظر نقش‌های اجتماعی‌شان به کار می‌رود (Yule, 2006: 29).

گفتمان انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی پدیده‌ای معنادار است که می‌توان آن را به‌عنوان یک گفتمان دید. این گفتمان مجموعه‌ای از مفاهیم (به شکل دال‌ها^۶، عناصر^۷ و لحظه‌ها^۸) است و طبعاً می‌تواند یک بینامتن^۹ تلقی شود؛ زیرا معنای آن از طریق رجوع به سایر متون/گفتمان‌ها حاصل می‌شود. دال مرکزی انقلاب اسلامی که سایر مفاهیم با پیوند با آن معنا می‌یابند و باهم ارتباط پیدا می‌کنند، خود انقلاب یا انقلاب اسلامی است. مفهوم انقلاب چه در مفهوم بندی آن در متون آکادمیک و چه در متن فرهنگ عمومی، در خود معنایی ای چون مقاومت در برابر ساختارهای سلطه، رهایی از سلطه، گسست، تغییر و تحول را دارد (مشیرزاده، ۱۳۹۷).

مردسالاری^{۱۰}: «مردسالاری، وضعیتی است که در آن مردها قدرت و حاکمیتی فراوان نسبت به زن‌ها دارند ... میزان قدرت مردان نسبت به زنان در جوامع مختلف، متفاوت است.

¹ Sex

² Gender

³ Natural gender

⁴ imperative gender

⁵ Social gender

⁶ Points

⁷ Elements

⁸ Moments

⁹ intertext

¹⁰ mency



باین‌حال در تمامی جوامع مردسالار، مردان سهم بیشتری از مزایای اجتماعی همچون قدرت، ثروت و احترام برخوردارند. تداوم قدرت نظام مردسالاری ناشی از دسترسی بیشتر مردان به مزایای ساختارهای قدرت در درون و بیرون از خانواده و همچنین به‌واسطه تقسیم کردن این مزایای اجتماعی در جامعه است.» (رئیسی و بوستانی، ۱۴۰۰: ۵۳) مردسالاری «بیان‌گر نظامی پدرسالار^۱ است که فقط نوعی تسلط نیست، بلکه نظامی است که تمام سازوکارهای نهادی و باوری را، آشکارا یا نهان برای چیرگی بر زنان به کار می‌گیرد.» (فاکر میبیدی و گل‌گلی، ۱۳۹۰: ۵۲).

۳-۳- روش‌های گردآوری داده‌ها

در این مطالعه، گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای بوده است. در این راستا بیانات امام خمینی با کلیدواژه‌های جایگاه و نقش زنان در انقلاب، همچنین مدل مردسالارانه انقلاب در کتاب‌ها و مقالات اینترنتی جست‌وجو شد که بر اساس نتیجه جست‌وجو، داده‌های به‌دست‌آمده پس از پالایش چندباره مطالب بر اساس حذف مطالب تکراری و حذف نتایج غیر مرتبط، استخراج شد. یکی از روش‌های شناخته‌شده اجرای تحلیل تماتیک به شیوه کیفی، شیوه سه‌مرحله‌ای ولکات^۲ است که دارای سه‌گام توصیف، تحلیل و تفسیر است. در مرحله توصیف، داده‌ها بر اساس یک نظم مشخص شده توسط پژوهشگر یا نظم زمانی قرار می‌گیرند. در مرحله تحلیل، داده‌ها تنظیم، سازمان‌دهی و مقوله‌بندی می‌شوند. در مرحله تفسیر نیز تفسیرهای اصلی انجام می‌شود و این تفسیر به‌طور عمده با رویکرد مقایسه‌ای صورت می‌گیرد (محمدپور، ۱۳۹۷).

در این راستا در این پژوهش، با جست‌وجو در بین منابع، تعداد ۱۱ منبع ذکر شده انتخاب و بررسی شدند. از بین منابع متعدد، این ۱۱ مورد بیشترین سنخیت را با موضوع مورد تحلیل داشتند. با مطالعه منابع، نظرات و جملات مرتبط با موضوع یادداشت‌برداری شدند. بعدازآن بر اساس حرکت رفت و برگشتی، داده‌های بامعنای مشترک دسته‌بندی شده و به مقوله‌های فرعی یا تم‌های اولیه تقسیم شدند. سپس با دسته‌بندی و در فرایندی سلسله‌مراتبی، تم‌های اصلی کشف شدند. بعد از به دست آمدن تم‌های اصلی در مورد نقش زنان در گفتمان انقلاب اسلامی و مدل مردسالارانه انقلاب، به مقایسه تطبیقی این تم‌ها پرداخته شد. هدف مقایسه تطبیقی، پیدا کردن تشابهات و تمایزات پدیده‌ای است که

^۱ Patriarchal

^۲ Wolcott



مورد بررسی قرار می‌دهیم (Hague and Harrop, 2004: 62). مقایسه تطبیقی از دیرباز در علوم سیاسی مورد توجه بوده است، به نحوی که بر اساس یک دیدگاه، می‌توان گفت، روش تطبیقی در کانون تحلیل‌های علوم سیاسی قرار داشته است (Ishiyama, 2012: 3). این نوع تحلیل بر حسب ماهیت ترکیبی مطالعات تطبیقی صورت‌های مختلفی می‌یابد. گاه با کشف تفاوت‌های پدیده‌های تقریباً مشابه، در پی عواملی است که حضور و غیبتشان با حضور و غیبت آن تفاوت‌ها هماهنگ است و می‌تواند به منزله علل پدیده مورد تبیین نامزد شوند (علی حسینی و قائمی و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۰۸). از این رو برتری تحلیل تطبیقی بر دیگر روش‌ها در این است که باعث غنای شناخت در پدیده‌ها می‌گردد (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۹۷).

۳-۴- روایی و پایایی

در این تحقیق کیفی، از روایی تئوریک استفاده شده است. روایی تئوریک به میزان سازگاری بین تبیین تئوریکی تحقیق کیفی با داده‌ها اشاره دارد. هر تئوری دو جزء دارد: مفاهیم یا دسته‌بندی‌هایی که تئوری بکار می‌گیرد و روابطی که تصور می‌شود میان این مفاهیم وجود دارد. در ارتباط با این دو جنبه تئوری، روایی تئوری نیز دارای دو جنبه است: روایی مفاهیم به کاررفته برای پدیده و روایی روابط فرض شده میان مفاهیم در تحقیق کیفی شکل‌گیری مفهوم، یک بخش اصلی از تحلیل داده‌ها است و در طی جمع‌آوری داده‌ها شروع می‌شود، بنابراین مفهوم‌سازی روشی است که محقق کیفی، داده‌ها را سازمان‌دهی و درک می‌کند. در این تحقیق نیز ما به دنبال یافتن الگوها و روابط بین داده‌ها بودیم و تحلیل را در هنگام جمع‌آوری داده‌ها آغاز کردیم، به گونه‌ای که نتایج تحلیل‌های اولیه مراحل بعدی جمع‌آوری داده را هدایت می‌کرد. به عبارتی دیگر، تئوری و اطلاعات به موازات هم حرکت می‌کنند و مکمل یکدیگرند.

به منظور بررسی پایایی نیز دو کدگذار از یک دفترچه کد مشترک استفاده کردند؛ کدگذاران چند متن موجود در داده‌ها را خوانده و به طور مستقل کدگذاری کردند، پس از کدگذاری مستقل چند متن، کدگذاران دفترچه کد را که شامل نام کد، تعریف آن و قطعه متنی که به هر کد منتسب بود پدیدآورند؛ سرانجام سه متن دیگر را به طور مستقل کدگذاری و باهم مقایسه کردند. وضعیت مطلوب آن است که همه کدگذاران کد یکسانی را به متن خاص نسبت دهند، ولی در عمل ممکن نیست. اغلب پژوهشگران روی عدد ۸۰ درصد تشابه کدگذاری توافق نظر دارند. درصد پایایی از طریق فرمول زیر محاسبه شد:



$$\text{درصد پایایی بازآزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل گدھا}} \times 100\%$$

باز آزمون کدگذاری انجام گرفته در این تحقیق با استفاده از فرمول ذکر شده، برابر ۸۴ درصد است. باتوجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۸۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است.

ملاحظات اخلاقی

در ملاحظات اخلاقی مربوط به تحلیل‌های کیفی مانند تحلیل تم، پژوهشگر موظف است منبع هر مطلبی را که از دیگران نقل می‌کند، حتی اگر نقل به معنا باشد، دقیقاً ذکر کند. رعایت حق مالکیت معنوی در بهره‌گیری از اطلاعات به‌دست آمده، یکی از مصادیق امانت‌داری است؛ بنابراین در این پژوهش تمامی مطالب با ذکر منبع آمده است.

۴- یافته‌های تحقیق

به‌منظور مقایسه تطبیقی مدل مردسالارانه انقلاب با گفتمان انقلاب اسلامی، به بررسی تمام این نظریات پرداخته و با کدگذاری به مقوله و تم‌های اصلی دست‌یافتیم. در ابتدا به مقوله‌های به‌دست آمده از مدل مردسالارانه انقلاب و بعد از آن به تم‌های برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

۴-۱ مدل مردسالارانه انقلاب درباره انقلاب اسلامی

چنان‌که آمد، این مدل، بیش از همه مدیون تلاش‌های نظری والنتین مقدم است. او درباره انقلاب اسلامی مطالعاتی را در حوزه جامعه‌شناسی انقلاب انجام داد و در آن به عوامل فرهنگی و ایدئولوژی در تبیین انقلاب پرداخت. به اعتقاد مقدم، جنسیت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، در انقلاب ایران، اثر داشت و از این‌رو در تحلیل انقلاب اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد (Moghadam, 1995). با بررسی نظرات وی در مورد نقش و جایگاه زنان در انقلاب، به سه تم اصلی دست‌یافتیم که در جدول زیر آمده است:



جدول ۲: تم‌های اولیه و اصلی مدل مردسالارانه انقلاب درباره نقش زنان در انقلاب

تم‌های اصلی	تم‌های اولیه
مردسالاری	فرهنگ، ایدئولوژی و سیاست جنسیتی (۱۱) عدم سازندگی مقوله جنسیت (۸)، عدم حمایت از نقش جنسیت در انقلابات (۱۰)، تنزل زنان به حوزه خصوصی در انقلابات (۱۰)، زمام قدرت به دست مردان (۹)، شهروندی درجه دوم زنان (۸)، سلطه مردان بر زنان (۱۰)، تقسیم‌کار جنسی (۹)، عدم پیشرفت زنان در ساختارهای مستقر (۹)، ارتش تجسم نهاد مردسالار (۸)، نقش کلیشه‌ای زنان به‌عنوان تابع و نیازمند حمایت (۱۰)، شکل‌گیری زندگی زنان بر اساس فرهنگ مردانه (۱۱)، تأثیرات نامطلوب نظام مردسالار (۱۰)
نابرابری	ایدئولوژی جنسیتی (باورهایی در مورد تفاوت‌های اساسی) (۸)، هنجارهای جنسیتی (انتظارات در مورد اشکال رفتار مناسب برای زنان) (۱۱) و کلیشه‌های جنسیتی (تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی) (۱۰)، روابط ساختاری نابرابر (۹)، تمایزات بیولوژیکی جنسیت (۹)، موقعیت نامطلوب زنان، تقویت سلطه مردان، به خطر انداختن استقلال زنان (۱۰)، نبودن حق برابر برای نمایندگی (۱۰)، ادعای دموکراسی (۱۰)، ایجاد و گسترش دموکراسی، یا برداشتن موانع دموکراسی سازی بدون در نظر گرفتن مسائل مربوط به زنان و جنسیت (۱۱)
خانه‌دار بودن	نقش زنان در رسیدگی به امور خانه (۱۰)، تقسیم‌بندی سخت‌گیرانه کار خانه (۱۱)، دور بودن از اقتصاد تولیدی (۱۱)، خواست محافظه‌کاران در مورد بازگشت زنان به ارزش‌های سنتی (۹)، زنان بیرون نظام سیاسی (۸)، ماندن در خانه و دور بودن از سیاست (۸)، خواسته اسلام و فرهنگ اسلامی مبنی بر نقش مادری و رسیدگی به امور خانه (۱۱)، تهدید گسترش و توسعه نقش زنان در زندگی اجتماعی (۱۰)، نمادهای زن بچه‌دار و مرد نان‌آور (۹)

«مدل مردسالارانه انقلاب»، از چند مؤلفه اصلی تشکیل شده است که او این مؤلفه‌ها را به انقلاب اسلامی نیز تعمیم می‌دهد. «مردسالاری»، «نابرابری» و تأکید بر «خانه‌دار بودن» زن، این سه مؤلفه هستند. در ادامه، ذیل هر کدام از این مؤلفه‌ها، به تبیین این مدل پرداخته می‌شود.

- مردسالاری

مسئله اصلی در اینجا، «مردسالاری» است. شکل بررسی این مدل، از دیدگاه «جنسیتی» «مدل پدرسالارانه انقلاب» است و مقدم این موضوع را در «روند اسلامی شدن متعاقب آن» بررسی می‌کند (Moghadam, 1995: 329). در عین حال، او در این تمرکز، معتقد است که انقلاب اسلامی تأثیرات نامطلوبی بر زنان داشته است (Moghadam, 1995: 330). از دید مقدم، «روابط جنسیتی بخش مهمی از فرهنگ، ایدئولوژی و سیاست جوامع انقلابی را تشکیل می‌دهد. یقیناً دولت‌های انقلابی تلاش قابل توجهی را برای قانون‌گذاری موقعیت‌های



اجتماعی زنان، تجدیدنظر در قوانین خانواده و تعیین اختیارات مردان انجام می‌دهند.» درعین حال بر این باور است که «در جامعه‌شناسی انقلاب، جنسیت، برخلاف طبقه یا دولت یا نظام جهانی، به‌عنوان یک مقوله سازنده تلقی نمی‌شود» (Moghadam, 1995: 332). ذکر این نکته ضروری است که باتوجه‌به گفتار حاکم بر نوشته‌های مقدم، او را باید جامعه‌شناسی با گرایش چپ توصیف کرد. توجه او به مقوله طبقات و نیز نوع نگاه انتقادی او، مقدم را در این زمره قرار می‌دهد. براین اساس است که از نظر او «اگرچه تغییرات در روابط جنسیتی به‌ویژه در نتایج انقلابی مشهود است، اما تاکنون شواهد کمتری برای حمایت از نقش جنسیت در علیت وجود دارد. باین حال، در مورد انقلاب ایران، این فرضیه قابل قبول است که جنسیت با طبقه تلاقی می‌کند تا حداقل برای بخشی از ائتلاف انقلابی، عاملی در شورش علیه شاه و چرخش به سوی اسلامی شدن باشد؛ یعنی دیده شدن فزاینده زنان طبقه متوسط و «غربی شدن» زنان بورژوا، مردان طبقه متوسط روبه پایین را که به دنبال بازیابی نقش‌های جنسیتی^۱ سنتی به‌عنوان بخشی از اهداف انقلابی خود بودند، آزرده‌خاطر کرد.» (Moghadam, 1995: 333) از دیدگاهی دیگر و مشابه با نظر مقدم، می‌توان گفت امکان دارد دولتی «با برآوردن خواسته‌های عملی فوری زنان یا منافع طبقاتی خاص یا هر دو، حمایت آن‌ها را به دست آورد.» و نیز «ممکن است این کار را بدون پیشبرد منافع استراتژیک خود انجام دهد. باین حال، ادعای چنین دولتی مبنی بر حمایت از رهایی زنان را نمی‌توان صرفاً بر اساس شواهدی مبنی بر اینکه حمایت از زنان را بر اساس نمایندگی برخی از منافع عملی یا طبقاتی آن‌ها حفظ کرد، اثبات کرد» (Molyneux, 1986, 286). مقدم معتقد است که «در انقلاب‌های قرن بیستم که پیامدهای مردسالارانه مشابهی برای زنان داشت - به‌ویژه مکزیک، الجزایر و ایران - زنان علی‌رغم نقش‌های مهمی که زنان در جنبش‌های انقلابی ایفا کرده بودند، به حوزه خصوصی تنزل داده شدند. در این سه مورد، مردان زمام قدرت را به دست گرفتند، مسئولیت خانواده، مذهب و سنت را به زنان واگذار کردند و قوانینی را برای تدوین روابط جنسیتی مردسالار از جمله شهروندی درجه دوم برای زنان وضع کردند. انقلاب‌ها و پیامدهای جنسیتی تمایز انقلاب‌ها بر اساس نتایج جنسیتی نشان می‌دهد که جنسیت در واقع بُعد جدایی‌ناپذیر فرایند انقلابی است و جامعه‌شناسی انقلاب باید به آن ارزش مفهومی قائل شود» (Moghadam, 1995: 338).

^۱. Gender roles



مقدم، مسئلهٔ مردسالاری را در «بافت»^۱ مارکسیسم - فمینیسم مورد توجه قرار می‌دهد و با استفاده از واژهٔ تقسیم‌کار جنسی^۲، برای اشاره به نظم ایدئولوژیک و مادی نقش‌ها، حقوق و ارزش‌ها در خانواده، محل کار و جامعه اشاره می‌کند. بر این اساس که ریشهٔ این موضوع در تفاوت جنسی زن و مرد و به‌ویژه در تولیدمثل زنان دارد. آن‌ها خاطر نشان کردند که مردسالاری، یک سیستم سلطه مرد بر زنان، از لحاظ تاریخی با شیوه‌های تولید همزیستی داشته است و وضعیت زنان هم تحت تأثیر تقسیم جنسی کار و هم از تقسیم طبقاتی منطبق با شیوه‌های تولید بوده است (Moghadam, 2013: 24). بر این اساس، او معتقد است که «مردسالاری و سرمایه‌داری گزینه‌های موجود را برای زنان محدود می‌کند و در نتیجه پیشرفت زنان در ساختارهای مستقر امکان‌پذیر نیست» (Moghadam, 2016: 24). او، مردسالاری را به «نظامی‌گری»^۳ نیز مرتبط می‌داند. چراکه نظامی‌گری از پدرسالاری سرچشمه می‌گیرد و پدرسالاری، اثر نظامی‌گری را تقویت کرده و مشروعیت می‌بخشد. از این نظر، ارتش تجسم نهادی مردسالار است که زنان را به همان شیوهٔ منفی مانند سایر نهادهای مردسالار تحت تأثیر قرار می‌دهد و نقش کلیشه‌ای زنان را به‌عنوان افرادی تابع و نیازمند حمایت، تقویت و تداوم می‌بخشد. این چنین است که زنان، در قعر این نظام مردسالار هستند و نقش «محافظ» به مردان اختصاص می‌یابد. در عین حال «ستم» بر زنان بخش اساسی نظامی‌گری است، نه فقط پیامد آن (Elverem and Moghadam, 2019: 1).

- نابرابری

مؤلفهٔ دیگر مدل پدرسالارانه انقلاب، «نابرابری» میان زن و مرد است. این مدل، نظریه‌ای یکپارچه برای ثبات و تغییر مجموعه‌ای از مدل‌ها و گزاره‌ها ارائه می‌کند تا هم نیروهایی که سیستم نابرابری جنسیتی را حفظ می‌کنند، توضیح دهد و هم نظریه‌ای دربارهٔ چگونگی تغییر چنین سیستمی را. در مفهوم‌پردازی این مدل، سه نوع از تعاریف اجتماعی جنسیتی، فرایندهای اجباری و داوطلبانه در سطح کلان و میانی را به هم پیوند زده می‌شوند: یکی ایدئولوژی جنسیتی^۴ (به معنای باورهایی در مورد تفاوت‌های اساسی). دیگری، هنجارهای جنسیتی (انتظارات در مورد اشکال رفتار مناسب برای زنان و مردان)؛ و سوم، کلیشه‌های

1. context

2. Gender work division

3. militarism

4. Gender ideology



جنسیتی (تأکید بر تفاوت‌های جنسی و پاسخ‌های فرضی در موقعیت‌های خاص) (Moghadam, 2016: 34). در اینجا مقدم، از دیدگاه فمینیسم چپ، پدیده جنسیت را روابط ساختاری نابرابری می‌داند که مشابه پدیده طبقه است. در مورد طبقه، این رابطه از تفاوت در کنترل بر ابزار تولید سرچشمه می‌گیرد و به زبان سرمایه - کار بازگو می‌شود. تفاوت‌های جنسی بر اساس ساختار اجتماعی تمایزات بیولوژیکی جنسیت، یکی از شکاف‌های عمیق جامعه است. تفاوت‌هایی که بین افراد وجود دارد و باعث تعیین تقسیم قدرت‌ها، مسئولیت‌ها و منابع می‌شود. میزان نابرابری و شکل مسئله جنسیت در طول زمان و از مکانی به مکانی دیگر به صورت تنگاتنگی به عوامل سیاسی و اقتصادی بستگی دارد، به این معنا که سلسله‌مراتب جنسی در محیط‌های خانوادگی، کشاورزی کشورهای در حال توسعه و صنعتی پیشرفته دارای ساختارهای متفاوتی است (مقدم، ۱۳۷۸، ۷۸۷).

در عین حال، مقدم به موضوعی توجه دارد که گفتمان او را دقیقاً در مقابل گفتمان انقلاب اسلامی قرار می‌دهد. به اعتقاد او «سیاست دینی به موقعیت بسیار نامطلوبی برای زنان منجر شده» و «سلطه مردان را تقویت کرده» است. همچنین «استقلال زنان را به خطر انداخته» و در نتیجه «مجموعه‌ای از روابط جنسیتی را ایجاد کرده بود که با نابرابری عمیق مشخص می‌شد» (Moghadam, 2002: 1138).

- خانه‌دار بودن زن

مؤلفه سوم مدل پدرسالارانه انقلاب، مادر و «خانه‌دار» بودن زن است. بر اساس نظر مقدم، در ایران و هر جای دیگری در خاورمیانه، اغلب بر نقش مادر، زن و رسیدگی به امور خانه تأکید می‌شود و اعتقاد بر این است که این خواسته اسلام و فرهنگ اسلامی است. همچنین، تحلیل‌گران تاریخی نشان دادند که این تقسیم‌بندی سخت‌گیرانه کارگری منحصر به اسلام است، اما در حقیقت پیوند ویژگی‌های فرهنگی در روابط جنسیتی است (مقدم، ۱۳۹۵، ۸۴).

خانه‌داری زنان، آنان را از ایفای نقش در اقتصاد تولیدی دور می‌کند. به اعتقاد مقدم «تغییرات اجتماعی ناهموار است و خطی نیست؛ لذا گسترش نقش زنان در تولید و حضور روشن آن‌ها در زندگی اجتماعی در برخی کشورها با واکنش‌ها و مقاومت‌هایی روبه‌رو بوده است. به نظر می‌رسد که مردان در برخی طبقات اجتماعی مانند طبقه متوسط پایین، محافظه‌کار و در میان گروه‌هایی که امنیت اقتصادی ندارند - گسترش و توسعه نقش زنان در زندگی اجتماعی را نوعی تهدید می‌دانند و نیز برای برخی زنان کم‌رنگ شدن نمادهای مردان‌آور و زن بچه‌دار پرورش‌دهنده کودکان اضطراب‌آور است. این تشویش‌ها از کاهش دستمزد خانواده، افزایش میزان بیکاری مردان، تورم و کم‌ارزش شدن قدرت خرید درآمدها



و نیز از نیاز به اشتغال زنان برای تأمین مایحتاج خانواده در مقابله با وضع اسفبار اقتصادی و نه به خاطر میل شخصی خود زن، سرچشمه می‌گیرد. در خاورمیانه افراد به نهضت‌های اسلامی گرایش یافته‌اند و محافظه‌کاران طالب بازگشت زنان به زندگی خانوادگی و ارزش‌های سنتی هستند» (مقدم، ۱۳۷۸، ۸۸۹-۸۹۰). مقدم، انقلاب اسلامی را به مثابه یک «انقلاب مردسالار» نشان داده که در آن، زنان به حاشیه رانده شده و در نقش خانه‌دار و بیرون از «نظام تولید» هستند و در نتیجه، بر اساس دیدگاه مارکسیستی‌اش، بیرون از نظام سیاسی قرار می‌گیرند. به اعتقاد او «در مرحله ابتدایی جنبش‌های اسلام‌گرا، وارد شدن گسترده زنان به بازار کار، ترس از رقابت با مردان را افزایش داد و این مسئله به خواست‌هایی برای «تحت سلطه قراردادن» مجدد زنان منجر شد، همان‌طور که بلافاصله پس از انقلاب ایران رخ داد. در این مرحله، با مشارکت زنان در بازار کار، اسلام‌گرایان از زنان نمی‌خواهند که از آن بیرون بروند، چرا که بسیاری از زنانی که پیرو آن‌ها هستند، زنانی تحصیل کرده و شاغل‌اند، در اینجا تأکید اسلام‌گرایان، بر مقولاتی چون «حجاب»، «تفکیک فضایی» و «تفکیک عملکردی» اصرار دارند و تنها مصمم‌ترین و سکولارترین زنان در برابر این فشارها مقاومت می‌کنند، زیرا آن‌ها به دنبال استخدام در خدمات دولتی و خصوصی هستند» (Moghadam, 1999: 373).

۴-۲- گفتمان انقلاب اسلامی

در گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر سخنان امام خمینی نیز به چهار تم اصلی درباره نقش و جایگاه زنان در انقلاب دست یافتیم. آنچه در گفتمان انقلاب اسلامی بیش از هر چیز به چشم می‌آید، ضرورت حضور و فعالیت اجتماعی زنان در دوران استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی است؛ در گفتمان انقلاب اسلامی، سخنان امام خمینی به‌عنوان کسی که از بالاترین میزان مشروعیت، اقتدار، نفوذ سیاسی و کنترل بر منابع مادی و معنوی در عرصه عمومی برخوردار بود، سهمی بسزا در تعیین سرنوشت سوژه جنسیتی بر ساخته در آستانه انقلاب اسلامی و دوران پس از آن ایفا نمود؛ سوژه‌ای که نه به مواضع مرسوم فقهی سنتی شباهت چندانی داشت و نه با مواضع مدرنیستی حکومت سابق. تم‌های اولیه و اصلی به‌دست‌آمده از این گفتمان در جدول زیر آمده است:



جدول ۳: تم‌های اولیه و اصلی گفتمان انقلاب اسلامی در مورد نقش زنان در انقلاب

تم‌های اصلی	تم‌های اولیه
رعایت حقوق برابر زنان	<p>مشارکت مدنی با رعایت موازین اسلامی (۱)، شرایط مساعد برای رشد شخصیت زن (۴)، حقوق سیاسی و اجتماعی (۴)، بهبود وضعیت زنان در حوزه تصمیم‌گیری (۵)، بهبود جایگاه عمومی (۵)، شغل صحیح برای زنان (۶)، دارا بودن حق حضور در تمامی امور (۶)، حضور زنان از صنوف و طبقات و سنین مختلف در صحنه (۲)، زن و مرد در جوهر و ماهیت انسانی با یکدیگر برابر و یکسان‌اند (۷)، جنسیت یک امری ثانوی است (۳)، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا می‌کند (۱)، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنا پیدا نمی‌کند، همه خصوصیات انسانی میان زن و مرد مشترک است (۳)، زن و مرد در ارزش‌ها و فضیلت‌ها، در تکالیف و مسئولیت‌ها، در جهاد دفاعی، در پاداش و کیفر، در کسب کمال، فضائل و مقام علمی، در علم‌آموزی و ... برابر هستند (۴)، در اندیشه اسلامی، زنان و مردان در حقوق انسانی خویش عموماً مشترک هستند (۷)، زن و مرد در فطرت و سرشت، هدف خلقت، برخورداری از استعدادها و امکانات، امکان کسب ارزش‌ها، پیشتازی در ارزش‌ها و پاداش و جزای اعمال فارغ از جنسیت، در برابر خداوند یکسان هستند و فقط به‌واسطه رشد همه‌جانبه انسانی در سایه دانش و علم، تقوای الهی و ایجاد جامعه‌های شایسته بر یکدیگر مزیت دارند (۵)، حق برخورداری از حیات شایسته و تمامیت جسمانی و مسئولیت محافظت از آن در مقابل هرگونه بیماری، حادثه و یا تعدی، حق برخورداری از تکریم و مسئولیت رعایت آن برای دیگران، حق آزادی اندیشه و مصونیت از تعرض و عدم امنیت در داشتن اعتقاد (۷)، حق و مسئولیت فرد در برخورداری از ایمان، تقوا و حفظ آن و تکامل معنوی در عرصه باورها و رفتارها، مصونیت جان، مال و حیثیت زنان و زندگی خصوصی آنان از تعرض غیرقانونی (۷)، حق برخورداری از عدالت اجتماعی در اجرای قانون بدون لحاظ جنسیت (۷)</p>
شأن سیاسی - اجتماعی	<p>دامن زن محل تربیت بزرگ مردان (۲)، قشر زنان قشر پیشرو (۷)، زنان همدوش مردان (۷)، سازندگی زنان (۶)، دخالت زنان همچون روحانیون در امر سیاسی (۳)، فعالیت زنان در عرصه سیاست هم به‌عنوان حق هم به‌عنوان تکلیف (۵)، مشارکت اجتماعی زنان پس از انقلاب مشروط به حفظ حجاب و شئون مذهبی، (۱) زنان در صف اول واقعه (۶)، نقش فعال زنان در عرصه سیاسی، شرکت در انتخابات، تعیین مقدرات مملکت، مقابله با ظلم به‌عنوان عناصری آگاه و آزاد، پیش‌گامی نهضت (۲)، تشجیع مردان در عرصه اجتماعی، سازندگی جامعه (۱)، مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان نه امری حاشیه‌ای و فرعی بلکه مهم و سرنوشت‌ساز (۵)، رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی در زندگی فردی و اجتماعی و با عنایت به آزادی مسئولانه زنان کرامت انسانی آن‌ها (۷)، حق و مسئولیت زنان در ایجاد همگرایی با رویکرد اخلاقی، دینی در مسائل زنان در سطوح بین‌المللی، حق مشارکت در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، اجرا و نظارت در امور فرهنگی به‌ویژه در خصوص مسائل زنان، حق و مسئولیت آگاهی از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی (۷)، حق</p>



	<p>بهره‌مندی از نظرات مستمر بر فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با زنان به‌منظور حفظ شخصیت، حرمت و کرامت انسانی زن در محصولات فرهنگی (۷)، حق بهره‌مندی از مراکز فرهنگی ویژه بانوان با رعایت ضوابط اسلامی، باتوجه به خصوصیات روحی و جسمی آنان و با اولویت مناطق محروم (۷)، حق برخورداری زنان آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر اجتماعی از حمایت‌های مناسب به‌منظور بهبود وضعیت فرهنگی خود و جامع (۷)</p>
آزادی زنان	<p>رهایی از قید اسارت مردان (۴)، هم‌ردیف بودن با مردان، آزادی برای همه در اسلام (۳)، زن عفیف، محجبه و شریف و درعین حال، در متن و مرکز (۲)، رشد فکری، عملی و اجتماعی و سیاسی و بالاتر از همه _ فضیلتی و معنویتی زنان به حد اعلی (۱)، حضور و پیشروی در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا و هم در میدان سیاسی، حق انتخاب سرنوشت خود و مملکت (۱)، حق مالکیت بر اموال و دارایی شخصی و بهره‌برداری از آن‌ها با رعایت حدود شرعی و قانونی، حق زنان در انعقاد قراردادها و ایقاعات (۷)، حق اشتغال بعد از رسیدن به سن قانونی کار و آزادی انتخاب شغل و به‌کارگیری سرمایه‌های فردی و مسئولیت رعایت قوانین اسلامی در کسب درآمد و نحوه مصرف آن (۷)، حق بهره‌مندی زنان از اطلاعات، آموزش‌ها و کسب مهارت‌ها و امکانات کار جهت اشتغال مناسب و حق برخورداری از حمایت در این امور برای زنان (۷)</p>
انسان‌سازی زنان	<p>زن مظهر محبت، امنیت، رحمت، عطوفت و مهربانی (۵)، دامن مادر، نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی (۱)، پرورش انسان‌های کامل و درست، (۴) حفظ اصل مادر بودن برای فرزندان و تربیت آنان، تربیت انسان‌های شایسته (۱)، زنان هویت گم‌شده خود را پیدا کردند. فهمیدند که زن چه جایگاه والایی دارد (۱)، تجسم عطوفت و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطوفت رب‌العالمین است (۲)، ساختن انسان به دست زن است. زن است که می‌تواند جامعه را اصلاح کند و موجب رشد یا افول جامعه شود (۳)، اگر زن انسان‌ساز از ملت گرفته شود، ملت به شکست و انحطاط دچار می‌شود (۲)، باید نقش زنان در تربیت را جدی گرفت. چون فرزندان در دامن مادرانشان بزرگ می‌شوند (۴)، اگر زن نفهمد جایگاه و رسالتش چیست، آن جامعه منحط می‌شود (۲)</p>

- رعایت حقوق برابر زنان

هسته مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی «اسلام سیاسی فقه‌گرا» است و از این بابت، توجه به مسئله زنان در این گفتمان را باید از این زاویه مورد توجه قرار داد. این گفتمان بیش از هر چیز از گفتار رهبران سرچشمه می‌گیرد. آنان توانستند با قرار گرفتن در «جایگاه رهبری فرهمند و مورد پذیرش عام، قواعد و قوانین استوار بر خوانش ویژه‌شان از اسلام را در بدنه نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه در عرصه تکریم مقام زنان نهادینه نماید.» ایشان «برداشت ویژه‌ای از فقه و شریعت اسلامی را به دست دادند که همه زمینه‌های زیست انسان را دربر گرفته و ساختارهای گوناگون جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. این اندیشه‌های



آرمان‌گرایانه استوار بر اسلام انتقادی، انقلابی، مکتبی و جهادی بود» (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷: ۱۵۰). پس از انقلاب اسلامی، قانون اساسی دولت را موظف کرده است که حقوق زن را در همه جهات از جمله مشارکت مدنی با رعایت موازین اسلامی رعایت کند و سپس شرایط مساعدی را برای رشد شخصیت زن و احیای مادی و معنوی او فراهم و زمینه‌های مساعدی را ایجاد کند. حقوق معنوی بنابراین تضمین حقوق زنان، خود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در ابتدا بر حقوق سیاسی و اجتماعی زنان تمرکز داشته است. همچنین بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امور سیاسی را برای قشر خاصی به رسمیت نمی‌شناخت و آن را با همه در میان می‌گذاشت. به عبارت دیگر، وضعیت زنان حداقل در حوزه تصمیم‌گیری بهتر شده است و به تبع آن جایگاه عمومی آن‌ها پس از انقلاب اسلامی ایران بهبود یافته است؛ اما همان‌طور که در جامعه ایرانی مشاهده می‌کنیم، بر اساس قانون اساسی و موازین اسلامی تا رسیدن به وضعیت مطلوب برای زنان در جامعه راه درازی وجود دارد. زنان ایرانی اگرچه در اصول قانون اساسی و امور حکومتی نام‌برده شده‌اند، اما برای رسیدن به آنچه واقعاً سزاوارشان است، نیاز به توجه، حمایت و دفاع بیش‌ازپیش دولت دارند (Hasannia And Fazeli, 2019, 86).

- شأن سیاسی - اجتماعی زنان

به‌طورکلی، شاکله مرکزی این گفتمان را می‌توان با تأکید بر رسمیت شناختن تداوم مشارکت زنان همانند مردان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی با رعایت کامل حجاب و دوری از بی‌بندوباری در راستای پشتیبانی از اسلام و حاکمیت قوانین اسلامی در مقابل دشمنان آن دانست؛ زنی که در پرتو گفتمان انقلاب زاده می‌شود زنی است که چه به لحاظ عملی - سهمی که در پیروزی انقلاب ایفا کرده - و چه به لحاظ نظری - عنایتی که اسلام به زن دارد - نه در فرودست که در کنار یا فرادست مرد می‌نشیند و نه چونان ضعیف‌های مستحق مراقبت در پس دیوارهای خانه که سرشار از شجاعت و آگاهی به مراقبت و ساختن جامعه فراخوانده می‌شود؛ اندیشه‌ای که دریچه تازه فرا روی موقعیت زنان در جامعه می‌گشاید و وضعیت شیء‌گشته زنان در دوران پیش از انقلاب را مرهون انفصال از اسلام و اتصال به غرب معرفی می‌کند. براین اساس زن مسلمان می‌بایست به‌منظور ایفای نقش‌های ارزشمند مادری و همسری خود در چارچوب خانواده توأم با مشارکت فعال، آگاهانه و سرنوشت‌ساز در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه خود بر دو محدودیت فائق آید: اول محدودیتی که به‌واسطه تفکر محافظه‌کارانه سنتی در قالب عرف‌ها و رسوم اجتماعی - که غالباً با دین نیز بی‌ارتباطاند - زن را از حقوق واقعی‌اش محروم ساخته و دوم



محدودیتی که به واسطه تفکر غربی زن را به وادی ابتذال و شیء‌وارگی کشانده و او را از آزادی و اصالتش بی‌بهره می‌سازد (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷: ۱۵۱).

به‌طور کلی در ۱۵ سال پایانی دوره پهلوی دوم، تحولات سریع‌تری در وضعیت زنان ایجاد شد که آثار خود را علاوه بر عرصه‌های اجتماعی و آموزشی و اشتغال در عرصه سیاست و به‌ویژه در حضور پررنگ آنان در تشکلهای و جنبش‌های سیاسی و انقلابی نشان داد. این حضور هم در درون سازمان‌های انقلابی به‌ویژه در ده سال پایانی حکومت آشکار بود و هم به‌ویژه خود را در حضور وسیع زنانی با گرایش‌های فرهنگی متفاوت در تظاهرات خیابانی و میتینگ‌های اعتراضی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نشان داد (صادقی، ۱۴۰۰: ۷۳-۷۴). اگرچه، به‌ظاهر، زنان محجبه و معتقد، از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تحت سلطه حکومت رانده شدند و یا مشارکت بسیار اندکی داشتند، اما باز شدن فضای اجتماعی و شکل‌گیری روند انقلاب، آن‌ها را به‌صورت فعال به عرصه سیاست و مخالفت با رژیم کشاند. آن‌ها، بدون آن‌که از اعتقاد مذهبی خود دست بکشند و نیز به صف مشارکت‌کنندگان در گفتمان تجدید پهلوی بپیوندند، راه سومی را برگزیدند و «فعالانه» در عرصه مبارزات وارد شدند. به‌واقع، آن‌ها «مشارکت معکوس» در نظام سیاسی داشتند و به‌جای پیوستن به زنانی که در دستگاه حکومتی مشغول بودند، راه مخالفت و براندازی آن را در پیش گرفتند. آن‌ها، عموماً، با حجاب در این مبارزات شرکت می‌کردند. «پذیرش حجاب اقدامی موقتی بود که نمادی از طرد رژیم شاه و تمام چیزی بود که در آن وجود داشت. زنان محجبه معترض به نمادهای انقلاب تبدیل شدند. حجاب به‌خودی‌خود نماد جنبش مردم است» (Hoodfar, 2008: 3).

درعین‌حال، با مشاهده حضور گسترده زنان علیه شاه، «برخی از زنان جوان‌تر، سکولار و بدحجاب هم در اعتراض نمادین به دیکتاتوری غرب‌زده شاه، به چادر متوسل شدند. براین‌اساس بود که می‌توان گفت زنان از همه طبقات و گرایش‌های ایدئولوژیک در تظاهرات ضددولتی شرکت کردند» (Mahdi, 2004: 433). انقلاب ایران شامل زنان زیادی بود که در غرب بزرگ شده و تحصیل کرده بودند و به نشانه مخالفت با فرهنگ امپریالیسم غربی آگاهانه با لباس سنتی اسلامی کنار آمدند و از انقلاب آن‌ها حمایت کردند، اما شگفت‌زده شدند وقتی که دیدند از تلاش بیشتر آنان برای شکل‌دهی انقلاب جلوگیری شد و مدهای اسلام‌گرای ضد غرب که متکی بر نیروی خودی‌اند ارجحیت داده شدند (گلدستون، ۱۳۹۷: ۴۱۰).



- آزادی زنان

در بیانات امام خمینی، «اسلام سیاسی به‌عنوان یک منبع اعتباربخش جدید برای تغییرات مثبت زنان تعریف می‌گردد و با شعار «اسلام راه‌حل است» تزیین شده است. ایشان به اسلام به‌عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادات می‌نگرند و آن را متفاوت با سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می‌دانند. منطق چیره در ساختار این گفتمان، ساختاری دوجهی از اندیشه و کنش را فراوری می‌نماید که در آن مبانی ایدئولوژیک و منافع ملی، هرچند با جایگاه متفاوت، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند» (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۷: ۱۴۲). به اعتقاد ایشان «زن‌ها در حکومت اسلامی آزادند؛ حقوق آن‌ها مثل حقوق مردها. اسلام زن را از قید اسارت مردها بیرون آورد و آن‌ها را هم‌ردیف مردها قرار داده است. اسلام همه حقوق و امور بشر را تضمین کرده است. الآن از فشار حکومت در ایران، آزادی نه برای مرد است و نه برای زن؛ در اسلام برای همه هست» (خمینی، ۱۳۷۸: ۷۰). همچنین ایشان «زن‌های محترم متعهد ایران» را در مبارزه «پیشاپیش مردان» می‌دانستند که «به میدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را در هم شکستند» و معتقد بودند که «ما و همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم.» به زعم ایشان «امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزاد زنان و آزاد مردان. نه آنچه در زمان شاه مخلوع گفته می‌شد که آزادی آنان در حبس و اختناق و آزار و شکنجه بود». در این راستا، ایشان معتقدند «زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان بلکه مقدم بر آن‌اند. زنان ایران، هم مجاهدات انسانی عظیم کرده‌اند و هم مجاهدات مالی» (خمینی، ۱۳۷۸: ۳۴۱). به این موضوع باید توجه داشت که امام خمینی (ره) با دیگری‌سازی و بازنمایی از گفتمان متخاصم خود، در واقع به‌نوعی هویت گفتمانی خود را نیز تعریف کرده است؛ بر اساس قاعده‌ای که گفتمان‌ها با بازنمایی گفتمان رقیب به توصیف هویت گفتمانی خود نیز می‌پردازند؛ بنابراین در بیانات امام خمینی با رد شبهاتی که در زمینه محدود شدن زنان در یک نظام اسلامی وجود داشت، بر این امر پافشاری می‌کرد که زنان نیز مثل مردان در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند. به اعتقاد ایشان زنان در همه شئون دخالت دارند. ایشان با تأکید بر این نکته که ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانی برسد و زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد، هم به نفی گذشته می‌پرداختند و هم نگاه خود را نسبت به آینده بیان می‌داشتند (سیمبر و رضاپور، همچنین «اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی، تفسیری جدید از تعالیم اسلام در



زمینه‌های فرهنگی برای حضور فعال و فراگیر زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماع فراهم نمود و توده زنان از حضور گسترده اجتماعی و سیاسی بیشتری در جریان انقلاب برخوردار گردیدند. اندیشه سیاسی امام خمینی، زنان را به تداوم حضور سیاسی اجتماعی مؤثر در چهارچوب احکام و فرامین شرعی و قانونی دعوت کرد. به نظر ایشان حق دخالت در سرنوشت و حضور فعال سیاسی - اجتماعی زنان، هم حق و هم تکلیف است.» (وکیلی، ۱۴۰۰، ۱۴۲).

- انسان‌سازی زنان

امام خمینی (ره)، در بیاناتشان، نگاهی آرمانی به زن دارد. از دیدگاه ایشان «زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش‌ده زن و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ‌زنان و بزرگ‌مردان است.» (خمینی، ۱۳۷۸: ۳۴۱). بر این مبنا، ایشان زنان را به‌عنوان قشری پیشرو در انقلاب و جامعه می‌دانند. چیزی که در دوره شاه بر آن تأکید می‌شد، اما ایشان آن را امری نامناسب برای زنان می‌دانستند. از این‌رو، به اعتقاد ایشان «امروز به برکت نهضت اسلامی، زن عضو مؤثر جامعه تا حدودی مقام خود را یافته است. از یک عده معدود در رده بالا که میراث زمان سیاه رژیم منحط سابق است و مقام زن را به خودآرایی و حضور در مجالس عیش و عشرت می‌دانند و خود را به‌صورت کالایی درآورده‌اند و پیرو و عمال همان رژیم هستند و پیاده‌کنندگان همان نقشه اجانب می‌باشند و کمک‌کاران سیا و ساواک هستند که بگذریم، دیگر زنان شیردل و متعهد، همدوش مردان عزیز به ساختن ایران عزیز پرداخته؛ چنان‌که به ساختن خود در علم و فرهنگ پرداخته‌اند و شما شهر و روستایی را نمی‌یابید جز آنکه در آن‌ها جمعیت‌هایی فرهنگی و علمی از زن‌های متعهد و بانوان اسلامی ارجمند به وجود آمده است و نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد جامعه به وجود آورده که ره صدساله را یک‌شبه طی نموده است» (سیمیر و رضاپور، ۱۳۹۷: ۱۴۲). در بیانات ایشان، «در کنار حضور اجتماعی زنان، تأکید بر خانواده و نقش‌های خانوادگی زن نیز دیده می‌شود و توجه به جایگاه مادری در حدی است که مادری به‌عنوان بالاترین شغل بیان می‌شود و بر همین اساس نقش زن را بالاتر از نقش مرد می‌داند» (خادمی و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۶۱). از دید ایشان «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از



خدمت همه‌کس بالاتر است و این امری است که انبیا می‌خواستند. می‌خواستند که بانوان قشری باشند که آن‌ها تربیت کنند جامعه را و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند. لکن آن‌هایی که می‌خواهند این کشور را از همهٔ مواهب محروم کنند، از مواهب اسلامی، اخلاقی، اعمال صالحه و آن‌ها را به مراکز فساد بکشانند، آن‌ها هستند که می‌بینند. الآن که شما وارد شدید در جامعه و خدمت به جامعه [و] نقشه‌های آن‌ها نسبت به بانوان و نسبت به مردان باطل شده است، از این جهت فریاد آن‌ها بلند است که چیزی نشده است و این زمان مثل زمان رژیم سابق است و هیچ تغییری با زمان رضاخان و پسرش نکرده!» (خمینی، ۱۳۷۸: ۳۴۱).

۴-۳- برخی ملاحظات در تطبیق نظریه مردسالارانه انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی

اینکه «مدل مردسالارانه انقلاب» بر این تأکید داشت که زنان در عرصهٔ اجتماعی و سیاسی، دچار محدودیت‌های زیادی شدند و بر خانه‌داری آن‌ها به‌عنوان یک مؤلفهٔ اساسی در گفتمان انقلاب اسلامی تأکید داشت، علی‌رغم برخی شواهد، عیناً مطابق واقعیت وضعیت زنان نبود. چرا که می‌توان به مواردی اشاره کرد که خلاف آن را نشان می‌دهد. نخست باید توجه کرد که «تأکید گفتمان انقلاب اسلامی بر حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است و جامعهٔ ایران با فاصله گرفتن از گفتمان سنتی زمینهٔ حضور زنان را در جامعه فراهم کرده است. به‌طوری که هم‌زمان با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه زنان توانسته‌اند به موقعیت و پایگاه اجتماعی دست یابند» (زرگری‌نژاد و فروزش و حقانی صرمی، ۱۳۹۸: ۳۷). چرا که زنانی که به اسلام روی آورده بودند، به‌واقع، از غرب از لحاظ فرهنگی و چه از لحاظ مادی روی گردانده بودند. جنبش زنان در حرکت به‌سوی مذهب نه سنتی بود و نه غربی، بلکه فقط اسلامی بود. در قالب این بدیل جدید، زنان خودشان را نه مرتجع و نه سازش‌کار می‌دانستند، بلکه در عوض آن‌ها بر هویتشان تأکید می‌کردند و به‌وسیله پیوند با آنچه آن‌ها یک تفسیر روشنفکرانه از اسلام می‌دانستند، تقویت می‌کردند (Betteridge, 1983: 113). نکتهٔ بسیار حائز اهمیت در اینجا آن است که «تأکید گفتمان انقلاب اسلامی بر حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است و جامعهٔ ایران با فاصله گرفتن از گفتمان سنتی زمینهٔ حضور زنان را در جامعه فراهم کرده است. به‌طوری که هم‌زمان با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه زنان توانسته‌اند به موقعیت و پایگاه اجتماعی دست یابند» (زرگری‌نژاد و فروزش و حقانی صرمی، ۱۳۹۸: ۳۷).

«انقلاب اسلامی فضای جدیدی را برای حضور زنان در عرصه‌های مختلف زندگی جمعی و سیاسی گشود و زنان را به‌عنوان هویت‌های انسانی برابر با مردان مطرح ساخت. چنانکه



پیش‌تر نیز ذکر شد، بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه مردم، اعم از زن و مرد به‌طور مساوی حق شرکت در انتخابات را دارند و هیچ تفاوتی بر ای رأی دادن، نامزد و انتخاب شدن بین زن و مرد وجود ندارد. باین وجود، مشارکت زنان در ایران به‌طور عمده به حضور در پای صندوق‌های رأی که از کم‌هزینه‌ترین اشکال مشارکت است محدود مانده است. یکی از عرصه‌هایی که به‌رغم نبودن موانع قانونی، حضور و مشارکت زنان در آن محدود مانده، نهاد قانون‌گذاری یا مجلس شورای اسلامی است» (قاسمی و معالی، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

این را باید در نظر داشت که «با استقرار نظام جمهوری اسلامی، جهت‌گیری‌های متفاوتی در سیاست جنسیت خود را نشان داد. از یک‌سو تداوم یک جنبش توده‌ای که زنان نیز بخش مهمی از آن محسوب می‌شدند منجر به توجه بیشتر دولت برای اصلاح و بهبود وضعیت زنان گردید. از سوی دیگر مخالفت برخی از نیروهای محافظه‌کار با بعضی از اقدامات دولت‌ها در خصوص تغییر وضعیت زنان، مانع اجرای برخی از این اقدامات شد. با این وجود، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، حضور و مشارکت زنان در عرصه‌های آموزشی، فرهنگی، مدنی، اقتصادی و سیاسی بسیار افزایش یافت و تلاش آنان برای اصلاح وضعیت حقوقی و حقیقی‌شان فزونی گرفت.» (صادقی، ۱۴۰۰: ۶۴) همچنین «در جمهوری اسلامی ایران، زن به‌عنوان یک انسان محترم حق دخالت در سرنوشت خود را دارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به رهبری امام خمینی چشمگیر بود. قانون اساسی ایران به حقوق سیاسی زنان توجه داشته و اصل مشارکت زن و مرد در امور اجتماع را با رعایت موازین اسلامی پذیرفته است. هیچ‌یک از مناصب دولتی و اجرایی صلاحیت مردانگی را ندارند؛ یعنی زنان می‌توانند وارد عرصه‌های مختلف اعدام و حکومت شوند» (Hasannia And Fazeli, 2019, 86). به‌این ترتیب، می‌توان گفت که به‌رغم این‌که در جمهوری اسلامی، برخی گرایش‌ها به سمت این است که زنان را در سطوح پایین مشارکت اجتماعی و سیاسی قرار بدهد و به‌نوعی نظریهٔ مردسالارانهٔ انقلاب نیز چنین دیدگاه‌هایی را به‌عنوان مؤید نظریهٔ خود می‌داند، اما گفتمان انقلاب اسلامی در کل، رویکرد مثبتی به مشارکت زنان دارد. هرچند، مانند بسیاری از جوامع تا رسیدن به وضعیت آرمانی، موانع زیادی بر سر راه مشارکت تام‌وتمام زنان در امور سیاسی و اجتماعی وجود دارد. بر این اساس، می‌توان به برخی «ملاحظات» در مورد نظریهٔ مردسالارانهٔ انقلاب، با توجه به وضعیت زنان پس از انقلاب داشت.

یکی از جاهای بسیار مهمی که از قضا، مؤلفه‌ای مخالف «خانه‌داری» در نظریهٔ مردسالارانهٔ انقلاب است، اشتغال زنان هست. «گفتمان انقلاب اسلامی موجب شد شکاف سرمایه



اجتماعی و فرهنگی زنان طبقات اجتماعی ایران که نتیجه سیاست‌های اشتغالی دوره پهلوی بود، کاهش یابد. اعتقاد به حق اشتغال زنان در گفتمان انقلاب اسلامی بر اصل تساوی حقوق زن و مرد و عدم شباهت حقوق آن‌ها استوار است. امام در بستر همین گفتمان معتقد بودند در مواردی که به مسائل اخلاقی و معنوی و به اساس انسانیت انسان مربوط می‌شود، دیگر تفاوتی بین زن و مرد نیست» (غنی‌پور خندایی و اسدی داودآبادی و احمدی و روشنایی، ۱۴۰۱: ۳۷). در سال ۱۳۷۲، سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد که بر اساس آن زنان می‌توانستند مطابق توانایی‌هایشان و همگام با مردان در مشاغل مفید فعالیت کنند. به دنبال چنین رویکردها و اقداماتی بود که زنان به تدریج این فرصت را پیدا کردند که حضور روزافزونی در عرصه‌های عمومی و از جمله در مشاغل عالی دولتی پیدا کنند. اختصاص سمت‌هایی نظیر «مشاور رئیس‌جمهور در مسائل زنان»، «رئیس دفتر امور بانوان ریاست جمهوری»، «نایب‌رئیس کمیته ملی المپیک» به زنان و افزایش تعداد کاندیداها و نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی و. از جمله تحولاتی بود که پس از آن رخ داد (شجاعی، ۱۳۷۶: ۳۴-۳۵). در حالی که «اطلاعات موجود نشان می‌دهد که طی دو دهه قبل از انقلاب نسبت تحصیل دختران در سنین ابتدایی دو برابر شد، اما بیش از نیمی از دختران شهری واقع در سنین تحصیل متوسطه تا پیش از انقلاب به دبیرستان فرستاده نمی‌شدند» (غنی‌پور خندایی و اسدی داودآبادی و احمدی و روشنایی، ۱۴۰۱: ۳۳).

همچنین در جهت توجه به نیازهای زنان «به برخی مشاغل مربوط به آن‌ها به‌ویژه تفکیک جنسیتی حوزه درمان، «قانون انطباق فنی و اداری مؤسسات پزشکی با موازین شرع» در سال ۱۳۷۷ در مجلس پنجم و آیین‌نامه مربوط در سال ۱۳۸۰ در هیئت‌وزیران تصویب شد. اتخاذ رویکرد تبعیض مثبت مبنی بر سهمیه ۲۵ درصدی زنان در آزمون دستیاری پزشکی مصوب ۱۳۷۲ نیز در همین راستاست. بازتاب این و سیاست‌گذاری را در افزایش ۱۶ برابری آمار پزشکان عمومی زن و ۵۰ برابری پزشکان متخصص زن طی سال‌های پس از انقلاب می‌توان دید» (غنی‌پور خندایی و اسدی داودآبادی و احمدی و روشنایی، ۱۴۰۱: ۳۶). نخست باید در نظر داشت که دیباچه، بند ۱۴ اصل سوم، اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی مؤید توجه گفتمان انقلاب اسلامی به مسئله حقوق اجتماعی زنان است. در این بخش‌ها به ارزش و کرامت زنان در انجام وظایف مادری، حقوق قانونی و اجتماعی یکسان زن و مرد از نظر تحصیل علم و اشتغال به کار و موظف کردن دولت برافزایش میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی و نیز ایجاد محیطی امن برای فعالیت هرچه بیشتر زنان و ایجاد



امنیت قضایی عادلانه تأکید شده است. (غنی‌پور خندایی و اسدی داودآبادی و احمدی و روشنائی، ۱۴۰۱: ۳۵).

همچنین، بر اساس آمارهای بین‌المللی در حوزه زنان، پس از انقلاب اسلامی، باید به کاهش بی‌سوادی زنان بالاتر از ۱۵ سال نسبت به سایر کشورهای دنیا و همچنین به افزایش نسبت دختران به پسران در تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی اشاره کرد. در تحصیلات عالی، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تنها ۶ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را زنان تشکیل می‌دادند که این آمار به بیش از ۵۰ درصد رسیده است. همچنین پیش از انقلاب اسلامی سهم زنان از کرسی استادی دانشگاه حدود یک درصد بود که این رقم به بیش از ۲۰ درصد رسیده است. در حوزه ورزشی، زنان پس از انقلاب موفق شدند با حفظ حجاب، در عرصه جهانی و رقابت‌های بین‌المللی در رشته‌های گوناگون ورزشی حضور موفقیت‌آمیزی داشته باشند. پیش از انقلاب تنها ۵ مدال آن‌هم فقط در عرصه رقابت‌های آسیایی به زنان ایرانی اختصاص یافته بود در حالی که اکنون بیش از ۲۰۰ مدال در رشته‌های مختلف توسط بانوان ایرانی کسب شده است. شاخص امید به زندگی در بین زنان، پیش از انقلاب اسلامی، به ۵۷/۶ درصد می‌رسید که اکنون بیش از ۷۷ درصد است. همچنین، تعداد پزشکان متخصص زن در حوزه زنان از ۱۶ درصد به ۹۸ درصد رسیده و همچنین کاهش ۹۰ درصدی مرگ‌ومیر مادران هنگام زایمان را به دنبال داشته زن نیز قبل از انقلاب اسلامی از ۵۹۷ نفر افزایش ۵۰ برابری یافته است (راجی، ۱۳۹۷: ۲۶۸-۲۷۹).

با این همه یکی از مسائل مهم در زمینه اشتغال که مقابل مؤلفه «خانه‌داری» است، این است که سیاست‌های اشتغال زنان در ایران با مسائلی مواجه هستند که جریانی از رویکردهای متفاوت و گاه متناقض در امر سیاست‌گذاری اشتغال را ایجاد می‌کنند. وجود نهادهای مختلف با رویکردهای متفاوت نسبت به اشتغال زنان طیف‌هایی از توافق و حمایت تا مخالفت و عدم حمایت را در برمی‌گیرند که در نتیجه آن برخی از سردرگمی‌ها و تناقض‌ها در سیاست‌ها قابل مشاهده است و دستیابی به وفاق در این حوزه با توجه به تغییرات جامعه و اهمیت اشتغال زنان، ضروری به نظر می‌رسد (ابراهیمی و تاج مزینانی و کرمی قهپی، ۱۳۹۸: ۲۸). چنین موضوعی را می‌توان به برخی عرصه‌های دیگر، مانند حضور زنان در سطوح بالای قدرت و نیز مشارکت به‌عنوان نخبگان سیاسی نیز تسری داد. البته، بخش مهمی از این مسائل، ارتباط مستقیمی با «گفتمان انقلاب اسلامی» ندارد و به دیدگاه‌هایی بازمی‌گردد که نظر مساعدی نسبت به حضور زنان در جامعه ندارند. چنانکه مشاهده شد، انقلاب اسلامی، چه در زمان مبارزات انقلابی و چه پس از آن (اگرچه با فراز و نشیب؛ اما



به صورت صعودی) به نقش زنان و حضور آنان در جامعه اهمیت خاصی داده و زمینه را برای آن فراهم کرده است؛ بنابراین می توان به این نکته توجه داشت که اگرچه نظریه مردسالارانه انقلاب و دیدگاه والنتین مقدم، در برخی مسائل، دارای موجهاتی است، اما در عین حال انقلاب اسلامی تا حد زیادی توانسته است زمینه را برای مشارکت بیشتر زنان در عرصه های مختلف باز کند. این زمینه ها، اگرچه ممکن است از دیدگاه مقدم «مطلوب» نباشد و در عین حال واقعیاتی را هم نشان دهد، اما بخش دیگری از واقعیتهای در مورد وضعیت زنان در مواردی که ذکر شد، بهبود بسیار قابل ملاحظه ای یافته است.

۵- بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

۵-۱- بحث

انقلاب ها، همواره از مهم ترین و بحث برانگیزترین پدیده های سیاسی و اجتماعی هستند. یکی از مباحث مهمی که کمتر در انقلاب ها و به خصوص نظریات قدیمی آن به چشم می خورد، توجه به نقش زنان در انقلاب هاست. در این پژوهش که محور آن نقش زنان در انقلاب اسلامی است، به این موضوع توجه شد که در نظریه های مختلف، این نقش چگونه تحلیل شده است. دو دیدگاه مهم در این زمینه نسبت به دیگر نظریات برجسته و با یکدیگر مقایسه شد. یکی «مدل مردسالارانه انقلاب» که عمدتاً با نظرات والنتین مقدم شناخته می شود و دیگری گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر بیانات امام خمینی. این دو دیدگاه، از دو دیدگاه کاملاً متفاوت بیان شده اند. اولی از دیدگاهی سکولار و چپ و دومی بر مبنای اسلام سیاسی فقهاتی. مقدم، در مدل تحلیلی خود، با برجسته کردن مردسالار بودن جامعه و به تبع انقلاب اسلامی، به حاشیه رانده شدن زنان، به رغم شرکت فعال آنان در انقلاب توجه دارد و از سوی دیگر امام خمینی، زنان را به عنوان پیشروان انقلاب، دانسته و جایگاه ویژه ای برای آنان در انقلاب قائل بودند. از این رو، نقطه عزیمت بحث در این پژوهش را می توان در این دو نگاه دانست.

۵-۲- نتیجه گیری

با در نظر گرفتن نوع نگاه و روشی که در این پژوهش بدان اشاره شد، می توان گفت که برای آغاز بحث در مورد نتیجه این پژوهش باید به «تم» های اصلی گفتمان انقلاب اسلامی و مدل مردسالارانه انقلاب توجه نمود. در گفتمان انقلاب اسلامی «رعایت حقوق برابر زنان»، «شأن سیاسی - اجتماعی»، «آزادی زنان» و «انسان سازی زنان» اصلی ترین تم ها و در مدل



مردسالارانه انقلاب «مردسالاری»، «نابرابری» و «خانه‌دار بودن» اصلی‌ترین تم‌ها محسوب می‌شوند. بر این اساس، چنان‌که رهیافت تطبیقی این پژوهش دنبال می‌کند، به تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو دیدگاه پرداخته می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که تفسیر مدل مردسالارانه انقلاب از نقش زنان در انقلاب اسلامی با واقعیت نقش زنان در انقلاب اسلامی، مهم‌ترین تفاوت و پررنگ بودن نقش زنان در انقلاب و پرداختن به نقش جنسیت در انقلاب شباهت مدل مردسالارانه انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی است. از این‌رو تفاوت این مدل و گفتمان انقلاب اسلامی، در تفاوت بنیادین دو نگاه سکولار (چپ) مقدم و گفتمان اسلام سیاسی دانست. در مدل مردسالارانه انقلاب، چنان برمی‌آید که اسلام، خود به‌مثابه بخشی از نظام سلطه سیاسی و اجتماعی، با تأکید بر سلطه مردان یا همان «مردسالاری» زنان را کنار می‌زند. بر این اساس، این مردسالاری در اسلام و قوانین آن است که سبب به حاشیه راندن زنان می‌شود. مؤلفه‌های مدل مردسالارانه انقلاب، بر اساس این پیش‌فرض سکولار بنا شده و از همین دیدگاه به نقد انقلاب اسلامی در حوزه زنان می‌پردازد. مدل فوق، بی‌توجه به وضعیت بهبودیافته زنان و نیز نگرش گفتمان انقلاب اسلامی، از همان ابتدا، پاسخ پرسش‌های خود را دارد. از این‌رو، هر سخنی درباره گفتمان انقلاب اسلامی پیرامون زنان، به نقد وضع زنان می‌رسد و هر نابسامانی را در مورد ایشان به مؤلفه «مردسالاری» و به دنبال آن اسلام مرتبط می‌داند.

از دیگر سو، گفتمان انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که در بستر آن، زن، به‌عنوان یک عضو فعال جامعه، همواره مورد توجه است و تنها از یک زاویه به آن توجه نمی‌شود. در مدل مردسالارانه انقلاب، شأن مادرانه زن به‌عنوان یک عامل برای دور نگه‌داشته شدن از اجتماع و سیاست تلقی می‌شود، در صورتی‌که در گفتمان انقلاب اسلامی، این شأن طبیعی، چیزی از ارزش‌های زن نمی‌کاهد، بلکه از دیدگاه آن، اهمیت زیادی نیز دارد. از این‌رو می‌توان صورت‌بندی گفتمان انقلاب اسلامی را، در مقابل مدل مردسالارانه انقلاب قرار داد. در این گفتمان، اسلام سیاسی، شأن زن را تنها به حضور آن در جامعه فرو نمی‌کاهد و به‌هیچ‌وجه او را تنها بیرون از خانواده تصور نمی‌کند، بلکه فعالیت زنان را هم در عرصه اجتماعی و سیاسی می‌پذیرد و هم به‌صورت جدی آن‌ها را به‌عنوان مادر در خانواده موردنظر قرار می‌دهد و به‌نوعی نگاهی «جامع» به زن دارد.

از سوی دیگر، پررنگ بودن نقش زنان در انقلاب و پرداختن به نقش جنسیت در انقلاب شباهت مدل مردسالارانه انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی است. هر دو نظریه، به این موضوع توجه دارند که مشارکت زنان، با تفاوت‌هایی که در دیدگاه دارند، در وقوع انقلاب



اسلامی بسیار مهم است. هر دو دیدگاه «جنسیت» را در انقلاب به رسمیت شناخته و به‌عنوان عاملی «مؤثر» در وقوع انقلاب، به نظریه خود وارد کرده‌اند.

۵-۳- پیشنهادها

پیشنهادهای توسعه‌ای

۱. بررسی نسبت شأن مادرانگی زنان و حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی
 ۲. آسیب‌شناسی نگاه مردسالارانه به زنان در عرصه‌های مختلف
 ۳. شناسایی نابرابری‌های نابجا میان زنان و مردان
- پیشنهادهای کاربردی
۱. تقویت زمینه‌های برابری زنان و مردان با توجه به پتانسیل‌های موجود در گفتمان اسلام سیاسی فقهتی
 ۲. سیاست‌گذاری در زمینه بهبود وضعیت زنان در انجام وظایف آنان در خانواده
 ۳. ایجاد تعادل میان نقش‌های سیاسی زنان و نقش آنان در خانواده، بدون آسیب زدن به هرکدام از آنها
 ۴. شناسایی قابلیت‌های زنان برای مشارکت در امور مختلف برحسب توانایی‌های آنان.

۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله‌ها

- ۱) ابراهیمی، سارا؛ فاضل، رضا؛ انصاری، حمید (۱۳۹۹). شناسایی خلأهای بنیادی و راهبردی در حوزه مشارکت اجتماعی، سیاسی زنان پس از انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳ (۴)، ۲۶۴-۲۹۱.
- ۲) ابراهیمی، مریم؛ تاج مزینانی، علی‌اکبر؛ کرمی فهی، محمدتقی (۱۳۹۸). تحلیل جنسیتی سیاست‌گذاری اشتغال در ایران پس‌انقلاب، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳۸ (۱-۲)، ۲۸-۱.
- ۳) اخترشهر، علی (۱۳۹۹). جایگاه زنان در انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی، مطالعات بیداری اسلامی، ۹ (۱)، ۲۷۵-۲۸۰.
- ۴) پاک‌نیا، محبوبه؛ طاهری، بهرنگ (۱۳۹۵). روند سیاسی شدن مسأله جنسیت در تونس و اثرات آن بر انقلاب ۲۰۱۱، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵ (۲۰)، ۲۴-۱.



- ۵) پناهی، محمدحسین (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی و انقلاب در نظریه‌ها؟ علوم اجتماعی، ۱۵(۴۳ و ۴۴)، ۲۲۳-۲۶۲.
- ۶) حاجی قهرمانی، لیلا؛ کشاورز، بهمن؛ عیوض‌زاده، حسن؛ خوش‌خطی، مهدی (۱۳۹۹). تغییرات جایگاه زنان قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی ایران بین سال‌های (۱۳۸۴-۱۳۵۷)، تغییرات اجتماعی-فرهنگی، ۱۷(۲)، ۲۵-۴۲.
- ۷) حسن‌نیا، علی؛ آزادبختی، زینب؛ بستاکچی، افشان (۱۳۹۸). تحلیل انتقادی نظریه «فمینیسم قرآنی» مارگوت بدران در دائرة المعارف قرآن، مطالعات قرآن و حدیث سفینه، ۱۶(۶۴)، ۱۴۸-۱۲۱.
- ۸) خادمی، عاطفه؛ تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۸). مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای)، زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۲)، ۲۷۷-۲۵۷.
- ۹) رئیسی، سمیه؛ بوستانی، داریوش (۱۴۰۰). مطالعه کیفی خشونت علیه زنان بلوچ، زن و جامعه، ۱۲(۴)، ۴۶-۶۵.
- ۱۰) زرگری‌نژاد، غلامحسین؛ فروزش، سینا؛ حقانی صرمی، فاطمه (۱۳۹۸). گفتمان انقلاب اسلامی در مورد جایگاه سیاسی اجتماعی زنان با تاکید بر رویکرد دولت‌سازندگی و اصلاحات، فصلنامه تاریخ، ۱۴(۵۴)، ۳۶-۵۶.
- ۱۱) سیاه‌سر، زهرا؛ امینی علی‌اکبر؛ حسنی‌فر، عبدالرسول (۱۳۹۹). شناسایی و تبیین عناصر فرهنگی و مذهبی مؤثر بر مشارکت زنان در انقلاب ایران و الجزایر، هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۵۰۵-۴۹۰.
- ۱۲) سیمیر، رضا؛ رضایور، دانیال (۱۳۹۷). جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران، زن و جامعه، ۹(۲)، ۱۱۳۳-۱۵۳.
- ۱۳) شیخ‌زاده، حسین؛ آصفری، محمدحسن (۱۳۹۹). ارزیابی مشارکت سیاسی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۸(۱۸)، ۳۱-۹.
- ۱۴) صادقی، الهه (۱۴۰۰). سیاست جنسیت در ایران معاصر: نقش دولت در تغییر وضعیت و حقوق زنان (۱۳۹۲-۱۲۷۰)، دولت پژوهی، ۶(۲۷)، ۵۹-۸۷.
- ۱۵) عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب، مطالعات راهبردی زنان، ۱۱(۴۲)، ۴۳-۷۸.
- ۱۶) عظیمی دولت‌آبادی، امیر؛ علی‌پور، پروین (۱۳۹۸). تحلیل «جایگاه زنان» در خرده گفتمان‌های انقلاب اسلامی، زبان‌شناسی اجتماعی، ۳(۹)، ۴۱-۵۸.



- ۱۷) علی‌حسینی، علی؛ قائمی، فهیمه؛ ابراهیمی علی (۱۳۹۶). **بررسی روش مقایسه‌ای در مطالعات فلسفی-سیاسی**، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۱(۱)، ۱۰۵-۱۲۶.
- ۱۸) غنی‌پور خندایی، فاطمه؛ محمدحسین اسدی داودآبادی؛ امیدعلی احمدی؛ علی روشنایی (۱۴۰۱). **سیر تاریخی اشتغال زنان در بستر گفتمان‌های قبل و بعد از انقلاب**، زن در توسعه و سیاست، ۲۰(۱)، ۲۳-۴۴.
- ۱۹) فاکر میبدی، محمد؛ گل‌گلی، کریمه (۱۳۹۰). **نقد آموزه‌های فمینیستی از منظر آیات و روایات (برابری و تفاوت، مرد ستیزی، نفی خانواده، نفی اخلاق سنتی)**، طهورا، ۴(۸)، ۴۳-۷۷.
- ۲۰) قاسمی، حاکم؛ معالی، فاطمه (۱۳۹۳). **عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان (بررسی عوامل محدود ماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان) (جامعه مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه‌های بین‌المللی امام خمینی، علامه طباطبایی، تهران، امیرکبیر، اصفهان و تبریز)**، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰(۱)، ۱۵۶-۱۲۴.
- ۲۱) کریمی، شهناز؛ نوابخش، مهرداد؛ ازکیا، مصطفی (۱۳۹۷). **بررسی سوژگی زنان در شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی**، سپهر سیاست، ۵(۱۸)، ۸۷-۱۰۴.
- ۲۲) کسرای، محمدسالار و مریم طهماسبی (۱۳۹۴). **گفتمان‌های زنان پس از انقلاب اسلامی (گفتمان اصلاح‌طلبی، گفتمان سنت‌گرایی فقهی)**، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۶(۲۲)، ۱۸۷-۱۶۷.
- ۲۳) کوثری، مسعود؛ تفرشی، امیرعلی؛ علوی نکو، معصومه‌سادات (۱۳۹۶). **امام خمینی (ره) و برساخت هویت زنانه در انقلاب اسلامی چگونگی و اساسی گفتمان پهلوی دوم و هژمونی معنایی امام خمینی (ره)**، زن در توسعه و سیاست، ۱۵(۳)، ۳۲۷-۳۵۷.
- ۲۴) گلدستون، جک (۱۳۹۷). **به سوی نسل چهارمی از نظریه‌های انقلابی**، ترجمه احسان بدریکوهی، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۷)، ۳۸۱-۴۴۲.
- ۲۵) مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷). **از گفتمان انقلاب اسلامی تا گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی**، سیاست خارجی، ۳۲(۴)، ۴۳-۶۴.
- ۲۶) مقدم، والنترین (۱۳۷۸). **بررسی تطبیقی موقعیت زنان در جوامع**، ترجمه پریچهر شاهسوند بغدادی، سیاست خارجی، ۱۳(۳)، ۸۶۳-۸۸۶.
- ۲۷) مقدم، والنترین (۱۳۹۵). **پنهان در تاریخ؛ زنان و نقش اقتصادی آنان در ایران عصر قاجار و پهلوی**، ترجمه حسن قریشی کرین و خدیجه پهلوانی، فصلنامه تاریخ نو، ۱۶(۱)، ۷۹-۱۲۷.



۲۸) میرخانی، عزت السادات (۱۳۹۷). احیای تفکر دینی، مطالبات زن مسلمان و خیزش دو تفکر «فمینیسم اسلامی» و «اجتهاد اصولگرا». مطالعات راهبردی زنان، ۲۰(۸۰)، ۷-۳۱

۲۹) نصرت خوارزمی، زهره؛ قاسمپور، فاطمه؛ نصرت خوارزمی، حنا (۱۳۹۹). کنش فرهنگی زنان پس از انقلاب اسلامی تحلیل گفتمان مطالبات فمینیسم اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹(۴)، ۹۳۱-۹۶۶.

۳۰) وکیلی، الهه (۱۴۰۰). نقش اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) در مشارکت فراگیر سیاسی اجتماعی زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۶)، ۱۴۰-۱۵۶.

کتاب‌ها

- ۱) بانکی پورفرد، امیرحسین (۱۳۹۵). جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد، برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب. تهران: نشر انقلاب اسلامی.
- ۲) خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵). زن از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به انضمام بیانات و گفتگوی صمیمانه در جمع دختران و بانوان. تهران: نشر بیطرفان.
- ۳) خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰). وصیت‌نامه سیاسی - الهی حضرت امام خمینی (ره). تهران: نشر جمال.
- ۴) خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۵) خمینی، روح‌الله (۱۳۹۳). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره). تهران: نشر عروج مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۶) راجی، محمدحسین (۱۳۹۷). کتاب صعود چهل‌ساله مروری بر دستاوردهای چهل‌ساله انقلاب اسلامی بر اساس آمارهای بین‌المللی. تهران: دفتر نشر معارف.
- ۷) ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۸) شجاعی، زهرا (۱۳۷۶). برای زنان فردا. تهران: مرکز امور مشارکت زنان.
- ۹) طهماسبی کیهانی، ساسان (۱۳۸۵). نقش زنان در نهضت امام خمینی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۰) فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- ۱۱) محمدپور، احمد (۱۳۹۷). ضد روش: زمینه‌های فلسفی و زمینه‌های عملی در روش - شناسی کیفی، قم: لاگوس.
- ۱۲) مکتبی، سیدمحمد؛ هدایتی، سعید (۱۳۸۷). زن و خانواده از دیدگاه امام خمینی (ره). تهران: نشر دفتر عقل.



- ۱۳) مهریزی، مهدی (۱۳۹۹). تحلیل تطور دیدگاه‌های امام خمینی درباره زنان. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۴) نودری، حسینعلی (۱۳۸۷). فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران: طرح نو.

۶-۲- منابع لاتین

Articles

1. Elveren, Adem, and Valentine M. Moghadam (2019). The Impact of Militarization on Gender Inequality and Female Labor Force Participation. Economic Research Forum Working Paper 1307, Fitchburg State University, Fitchburg.
2. Hasannia, Ali & Zahra Fazeli (2019). Socio Political Rights of Iranian Women before and After the Islamic Revolution; a Comparative Study, Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution, Volume 1, No. 1, Summer...
3. Mahdi, Ali Akbar (2004). The Iranian Women's Movement: A Century Long Struggle, The Moslim World, Vol 94, October.
4. Moghadam, Valentine M. (1990). Revolution en-gendered: women and politics in Iran and Afghanistan. On loan until 07/07/2022 23:00:00 EDT
5. Moghadam, Valentine M (1995). Gender and Revolutionary Transformation: Iran 1979 and East Central Europe 1989 Author, Gender and Society, Vol. 9, No. 3, Jun, 328-358.
6. Moghadam, Valentine M. (1999). GENDER AND GLOBALIZATION: FEMALE LABOR AND WoMEN's MOBILIZATION, JOURNAL OF WORLD-SYSTEMS RESEARCH, VOL V, 2, SUMMER, 367-388.
7. Moghadam, Valentine M. (2002). Islamic Feminism and Its Discontents: Toward a Resolution of the Debate, Journal of Women in Culture and Society 2002, vol. 27, no. 4.
8. Moghadam, Valentine M. (2004). Women in the Islamic Republic of Iran: Legal Status, Social Positions, and Collective Action, conference "Iran After 25 Years of Revolution: A Retrospective and a Look Ahead,, the Woodrow Wilson International Center for Scholars, November 16-17
9. Molyneux, M axine (1982). Socialists ocieties: Progresst owardsw omen'se mancipation Monthly Review 34, 56-100.
10. NIECHCIAŁ, PAULINA (2019). Female Post-Revolutionary Voices – Literature and Art without Men, Studia Litteraria Universitatis Iagellonicae Cracoviensis, special issue.
11. Sadeghi, Fatemeh (2012). Bypassing Islamism and Feminism: Women's Resistance and Rebellion in Post-revolutionary Iran, Féminismes islamiques, 128, décembre.



12. Smelser, Neil. J. (2003). On Comparative Analysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology", *International Sociology*, 18(4).
13. Tohidi, Nayereh (2016). WOMEN'S RIGHTS AND FEMINIST MOVEMENTS IN IRAN, *international journal in human rights*, issues 24, Dec.
14. Vogel, Andre (2018). "The Source of Change Within Society": A Brief Survey of Modern Iranian Women's Movements, *Undergraduate Journal of Global Citizenship*, Vol. 2, Iss. 4.

Books

15. Ayres, Lioness (2008). Thematic coding and analysis. IN: Lisa M. Given (Ed). *The sage of Encyclopedia of qualitative research methods*.
16. Betteridge, A. H. (1983), To veil or not to veil: Amatter of policy, In: Guity Nashat(ed), *Women and Revolution in Iran*, Colorado, Westwive Press.
17. Golkar, Saeid (2015). *Captive society: The Basij militia and social control in Iran*, Washington: Woodrow Wilson Center Press.
18. Hague, R. & Harrop, M. (2004). *Comparative government and politics* (Vol. 6). Basingstoke: Palgrave Macmillan.
19. Hoodfar, Homa (2008). *Against All Odds: The Building of a Women's Movement in the Islamic Republic of Iran*, AWID, Toronto, Mexico City, Cape Town.
20. Ishiyama, J. T. (2012). *Comparative Politics: Principles of Democracy and Democratization*. Wiley-Blackwell.
21. Moghadam, Valentine M. (2013). *Modernizing Women: Gender and Social Change in the Middle East*, Lynne Reinner Publishers.
22. Moghadam, Valentine M. (2016). *Engendering Development: The Evolution of a Field of Research*, in: *The Sociology of Development Handbook*, University of California Press.
23. Paidar, Parvin (1995). *Women and the political process in twentieth-century Iran*, Cambridge England: Cambridge University Press.
24. Ragin, Charles C (2004). *Comparative Methodology The Logic of Case Oriented Research*, Department of Sociology, University of Arizona USA.
25. SEDGHI, HAMIDEH (2007). *Women and Politics in Iran Veiling, Unveiling, and Reveiling*, Cambridge University Press.
26. Shahrokni, Naznin (2013). *State and the Paradox of Gender Segregation in Iran*, A dissertation submitted in partial satisfaction of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Sociology in the Graduate Division of the University of California, Berkeley.
- Yule, George (2006). *The Study of Language*, New York, Cambridge University Press.

